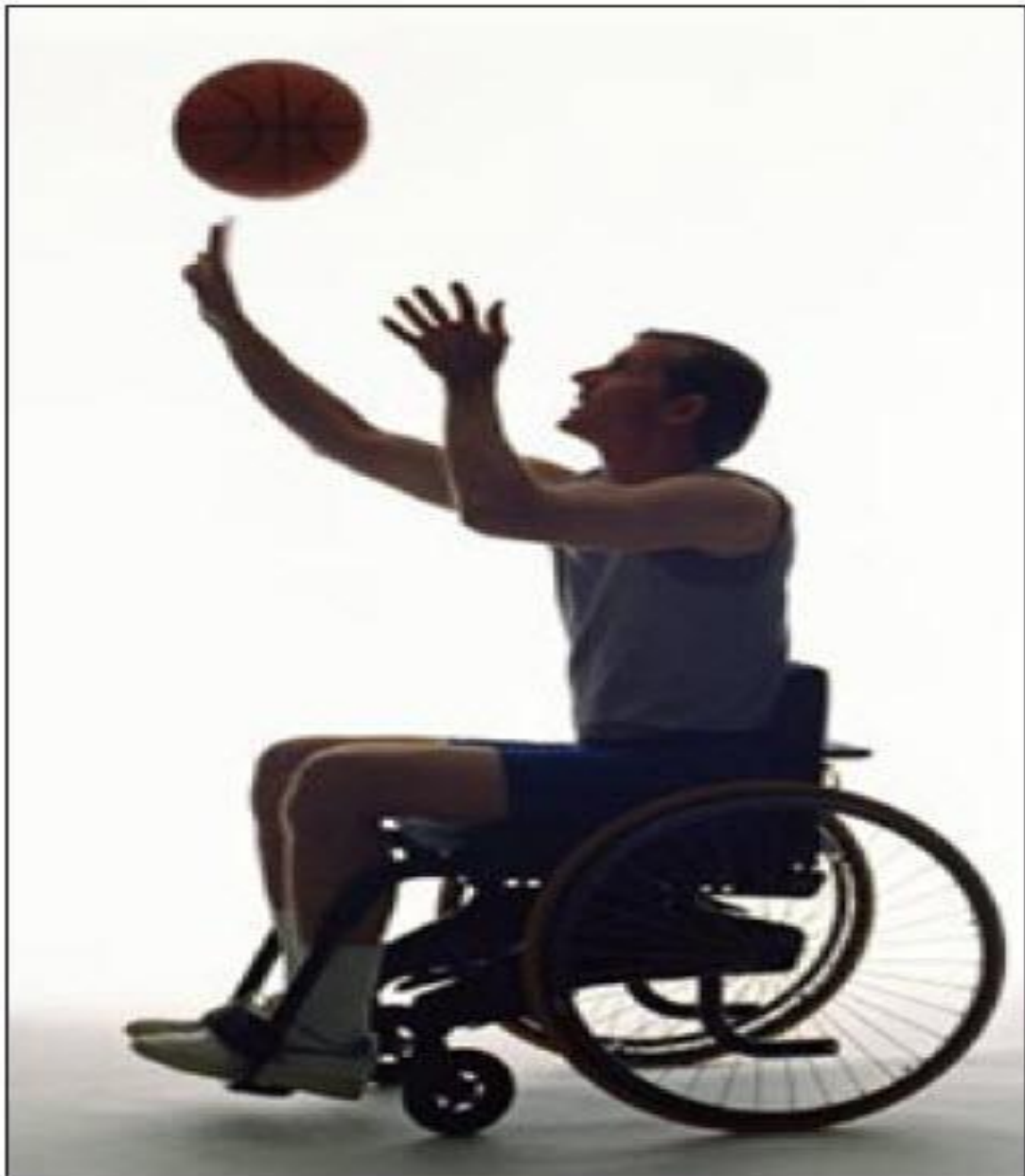


بنام خدای معلولان و موفق ها

معلولیت و موفقیت ( جلد شانزدهم )

محمد نظری گندشمین

کارشناس ارشد روانشناسی



## فهرست مطالب

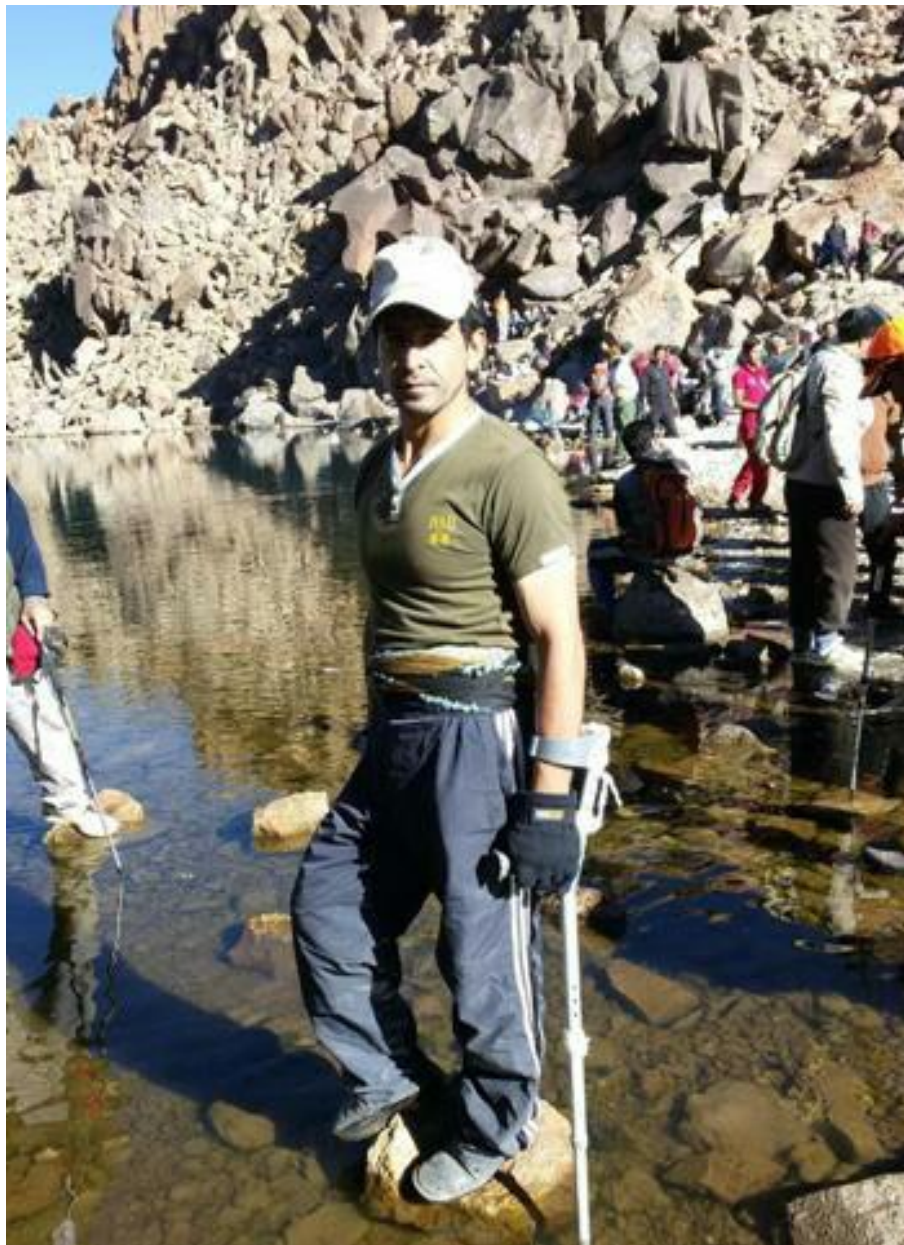
- ۱) رضا حسنعلی زاده صعود کوهنورد معلول اردبیلی به دومین قله مرتفع ایران
- ۲) مسیح علایی ، گفتگو با اولین مجری نابینای رسانه ملی
- ۳) فاطمه هادیان سورکی ، قهرمان دومیدانی جانبازان و معلولان کشور
- ۴) سعید صباغی ، روانشناسی معلولین - مثبت اندیشی مبتنی بر واقعیت نه دروغ
- ۵) گفتگوی کوتاه با زهرا قاسمی
- ۶) خانم ماری اندروز ، پوکی استخوان شدیدی
- ۷) جسیکا کاکس ، نداشتن دو دست ، گواهینامه خلبانی
- ۸) بهروز تقی زاده ، فلج اطفال
- ۹) علی رضا نوروزی ، قطع نخاع به دلیل سانحه رانندگی
- ۱۰) راه رفتن دوباره مرد مبتلا به فلج نخاعی پس از تزریق سلول بویایی به

## نخاع

- ۱۱) فریبا معصومی
- ۱۲) فرزانه پارسایی
- ۱۳) کودکان معلول ، سازگاری با زندگی را یاد می گیرند
- ۱۴) فیلیپ کرویزون ، اراده ای قوی جهت مقابله با معلولیت
- ۱۵) اخراج تنها نابینای نهاد ریاست جمهوری
- ۱۶) نمایش توانمندیهای زوج معلول اصفهانی
- ۱۷) گفتگو با شادی جهان پناه و ثنا باقری
- ۱۸) تهران شهر معلولان نیست

## رضا حسنعلی زاده

صعود کوهنورد معلول اردبیلی به دومین قله مرتفع ایران



اردبیل - ایرنا - رضا حسنعلی زاده کوهنورد معلول اردبیلی به دومین قله مرتفع ایران صعود کرد.

به گزارش روز دوشنبه ایرنا از روابط عمومی بهزیستی اردبیل ، حسنعلی زاده معلول جسمی و حرکتی که سال هاست از پروتز پا استفاده می کند با عزمی راسخ و اراده ای آهنین برای ششمین بار به قله سبلان صعود کرد تا بار دیگر ثابت کند معلولیت محدودیت نیست . سبلان دومین قله مرتفع ایران با ۴۸۱۱ متر ارتفاع در استان اردبیل و شهرستان مشگین شهر واقع است.

رضا حسنعلی زاده پرچمدار گروه کوهنوردی بهزیستی شهرستان اردبیل گفت: از کودکی وقتی چشمم به سبلان می افتاد آرزویم صعود به این قله زیبا بود تا این که روزی با خود گفتم من می توانم و عزم خود را جزم کردم و با تمرین توانستم به آرزوی دیرینه خود برسم.

او افزود: روزی دوست داشتم کسی کمکم کند تا به سبلان صعود کنم و امروز که برای بار ششم به خواسته ام رسیده ام بسیاری از من می خواهند که آنها را با خود به سبلان ببرم ، امروز با صدای بلند می گویم : معلولیت محدودیت نیست.

داور علی اکبری سرپرست اداره بهزیستی شهرستان اردبیل هم با قدردانی از رضا حسنعلی زاده اظهار امیدواری کرد معلولان همچون وی حضوری جدی و موثر در تمام عرصه های جامعه داشته باشند.

او افزود: بهزیستی شهرستان اردبیل از هیچ گونه حمایتی از جامعه هدف خود در چهارچوب قانون دریغ نکرده و از حرکت باز نخواهد ایستاد.

وی از معلولان خواست با الگو قرار دادن افرادی چون رضا حسنعلی زاده فعل خواستن را صرف کنند و معلولیت را مانعی برای زندگی متصور نشوند.

منبع: ایرنا

## گفتگو با اولین مجری نابینای رسانه ملی

دولت بهار: «مسیح علایی» اولین مجری رسانه ملی است که توانسته با وجود نابینایی اجرای یک برنامه تلویزیونی را برعهده بگیرد. آن هم برنامه ای در حوزه معلولان که خانم مجری خودش از جنس آنهاست.

مجله مهر: تصور یک برنامه تلویزیونی با مجری نابینا که نمی تواند جای دوربین ها را تشخیص بدهد و به اشاره افراد پشت دوربین واکنش نشان دهد کمی عجیب به نظر می رسد. اما «پیام ابراهیم پور» تهیه کننده برنامه «نقطه های برجسته» این ریسک را پذیرفت تا در برنامه ای که در حوزه معلولان است، این بار خود مجری نیز هم جنس آنها باشد. تا گپ و گفت مجری و مهمان واقعی تر شود.

به بهانه پخش برنامه «نقطه های برجسته» از شبکه افق و جسارت «مسیح علایی» برای اجرای این برنامه با او یک قرار مصاحبه گذاشتیم تا او برایمان از سختی های کار اجرا و زندگی شخصی و دنیای پرکارش تعریف کند. شاید برایتان جالب باشد اگر بدانید این برنامه در منزل شخصی خانم مجری تصویربرداری شده است. علایی بارها در حین ضبط برنامه برای مهمانانش چای دم کرده و شربت آماده کرده و به قول خودش همه چیز در این برنامه واقعی است.

نمی توانستم قبول کنم نابینا شدم

مسیح علایی متولد متولد ۲۲ مهر سال ۵۷ در تهران است. پدرش یکی از همافران ارتش بود. بنابراین از دوم ابتدایی با خانواده اش به دزفول رفت و دوم و سوم ابتدایی را در این شهر به مدرسه رفت. کلاس سوم ابتدایی بود که پدرش در جمعه خونین حجاج در مکه به

شهادت رسید تا از وجود پدر محروم شود. بعد از آن به دلیل یک بیماری ژنتیکی در ۱۰ سالگی نور چشمانش رو به افول رفت و نابینا شد. بنابراین مجبور بود از چهارم ابتدایی برای ادامه تحصیل از مدرسه عادی به مدرسه نابینایان برود و خط بریل را یاد بگیرد: «من در مدت کوتاهی بخش عظیمی از بینایی ام را از دست دادم. همین که اسم نابینا روی من می خورد و باید مدرسه نابینایان می رفتم برایم بسیار وحشتناک بود. آن موقع ها اکثر شبها زیر پتو گریه می کردم. وقتی به آن روزها فکر می کنم، می فهمم خیلی سخت با مشکلم کنار آمدم. یادم می آید مادرم سر کلاس کنارم می نشست تا به محیط جدید عادت کنم. خب من از یک مدرسه که هر کلاسش ۳۰ نفر دانش آموز داشت به مدرسه ای رفتم که هر کلاسش ۸ نفر بیشتر نبودند. اما خوشبختانه معلم های بسیار خوبی داشتم که خیلی خوب برخورد می کردند. مادرم هم به این موضوع به شکل یک موضوع حاد برخورد نکرد و اجازه می داد کارهایی که دوست دارم، مثل بیرون رفتن با دوستانم، انجام بدهم. اما دیگر دوستان نابینایم چنین اجازه هایی را نداشتند. همین عملکرد مادرم باعث شد که من نسبت به دوستانم مستقل تر باشم.»



## دانشجوی ممتاز کارشناسی و معدل بالای ارشد

خانم مجری سال ۷۵ در رشته حقوق دانشگاه علامه طباطبایی قبول می شود و چهارسال بعد به عنوان دانش آموز ممتاز انتخاب می شود. اما بعد از پایان تحصیل در دوره کارشناسی به علت مشکلات ناشی از نابینایی ادامه تحصیل را رها می کند تا وارد بازار کار شود. «درس خواندن با شرایط ما خیلی سخت است. باید تمام کتابها را ضبط کنیم. مسیر رفت و آمد هم یکی دیگر از مشکلات است. بعد از آن بلافاصله وارد بازار کار شدم و از آن زمان تا الان یکی از کارمندان صداوسیما هستم. در سیستم های ما نرم افزار مخصوص نابینایان نصب شده است. در استفاده از کامپیوتر هیچ مشکلی ندارم و همپای بقیه کار می کنم.» خانم علایی سال ۸۵ دوباره هوس درس خواندن می کند و کنکور کارشناسی ارشد می دهد و «تفسیر اثری» دانشگاه قرآن و حدیث قبول می شود. در نهایت هم دوره کارشناسی را با معدل ۲۵/۱۹ به پایان می رساند.

## گفتند مجری باید خودش معلول باشد

وارد شدن به صداوسیما و برخورد با بسیاری از تهیه کنندگان و برنامه سازان رسانه ملی همراه با ذوق شاعری و نویسندگی باعث شد تا پیشنهادات زیادی برای انجام کارهای مختلف سراغش بیاید اما علایی به جز چند مورد خاص که با حال و هوای شاعرانه خودش جور بوده از زیرشان در رفته است. تا اینکه پایش به نقطه های برجسته باز می شود: «من چون خودم شاعر و نویسنده هستم و به ادبیات علاقه زیادی دارم بارها پیشنهاد اجرا برای برنامه های شعرخوانی و متونی ادبی داشتم. حتی چندین مورد روی استیج اجرا داشتم. اما خودم هیچ وقت اجرا در تلویزیون را قبول نمی کردم. اما تهیه کننده برنامه «نقطه های برجسته» اصرار داشت حالا که این برنامه در حوزه معلولان است حتما یک معلول اجرای آن را به عهده بگیرد. به همین خاطر اجرای این کار را به من پیشنهاد دادند. من ابتدا پیشنهاد آقای ابراهیم پور را رد کردم اما بعد احساس کردم خودم می توانم به عنوان یک معلول با این کار به جامعه معلولان کشور کمک کنم. برای همین اجرای این برنامه را قبول کردم.»





### بسیاری از مردم تصور عجیبی از معلولان دارند

خانم علایی از نحوه به تصویر کشیدن معلولان در برنامه و سریال های تلویزیونی ناراضی است و معتقد است تلویزیون و رسانه ها تصویر درستی از معلولان ارائه نمی دهند و همین موضوع باعث سرخوردگی بسیاری از معلولان شده است: «در تلویزیون گاهی یک سری از معلولان با قابلیت های خیلی ویژه دعوت می کند. مثلاً نابینایی که با دست به هر چیزی رنگ آن را تشخیص بدهد. یا مثلاً می گویند این نابینا از روی حرکت قدم ها می تواند بفهمد که آن آدم چه کسی است. این موضوع کار را برای معلولانی که مثل من قابلیت ویژه ای ندارند سخت می کند. یا اینکه یک معلول و یا نابینا را طوری نشان می دهند که معلولیتش تقاص گناه خودش و یا خانواده اش است. این موضوع را ۸۰ درصد مهمان های ما در نقطه های برجسته اشاره می کنند. برای همین ما در این برنامه سعی کردیم تصویر جدیدی از معلولان

ارائه بدهیم. مثل اینکه معلول مثل یک انسان عادی زندگی می کند و حتی کارهای شخصی خودش را می تواند انجام بدهد و از خود و خدایش هم راضی است. گاهی اوقات هم جامعه فکر می کند معلول خیلی کارها نمی تواند انجام بدهد. مثلا دوستان خود من از برخی کارهای عادی من مثل میوه شستن، پذیرایی کردن تعجب می کنند. باور کنید این کارها خیلی عادی است. اما جوری با معلولان رفتار می شود که انگار کار عجیب و غریبی انجام داده اند. برای همین در این برنامه ما دنبال معلول های عجیب و غریب نگشتیم. معلولانی را آوردیم که مثل مردم عادی کارهای روزانه شان را انجام می دهند. مردم باید بدانند هر کاری که یک آدم عادی با حواس پنجگانه کامل انجام می دهد؛ یک معلول هم می تواند این کار را انجام دهد اما به روش خودش. همه می توانند از پله های زندگی بالا بروند. اما یکی باید عصا دستش بگیرد. یکی باید از سطح شیب دار بالا برود و دیگری هم ممکن است عصای سفید لازم داشته باشد.»

### فکر می کنند معلول نباید ازدواج کند

یکی از مشکلات معلولان از نظر خانم علایی ازدواج آنهاست و او دلیل این مشکل را همین تصورات غلط از معلولیت می داند: «همین الان وقتی از ازدواج یک فرد معلول صحبت می شود، می گویند: «وای مگه این خانم می تواند آشپزی کند و یا کارهای خانه را انجام دهد.» من دوست نابینایی داشتم که آقای به او علاقه مند شده بود. با این حال در جلسه خواستگاری به خانم گفته بود من فکر می کنم روی دیوارها یک عالمه میخ بزنم. بعد به این میخ ها طناب وصل کنم. برای اینکه اگر خواستی از اتاق خواب به جایی بروی از طریق طناب بتوانی حرکت کنی. وقتی از نابینا تصویر یک ناتوان ارائه می دهیم همین می شود. عده زیادی از من می پرسند که کارهای خانه را همسرت انجام می دهد؟ وقتی می گویم خیر خودم انجام می دهم. تعجب می کنند. در نهایت ما در جایی کمک لازم داریم. مثلا خانه را جارو کنم یک قسمت کامل تمیز نشده باشد خب همسر من می گوید مثلا این قسمت یک مقدار آشغال مانده است. هیچ اشکالی ندارد.»



بحث به اینجا که می رسد از ازدواج خودش می پرسیم. خانم علایی می گوید «همسر من را در محل کار دید، خودش می گوید همانجا به من علاقه مند شد. اما ابتدا می ترسیدم. چون هیچوقت باور نمی کردم کسی من را برای ازدواج بپسندد که خودش سلامت جسمی کامل و موقعیت اجتماعی خوب داشته باشد. به خاطر اینکه تصور از یک معلول واقعا در اجتماع بد است. بسیاری هم معتقدند که معلولان باید فقط با کسی مثل خودشان ازدواج کنند. یا اصلا ازدواج نکنند. من دوستان نابینای زیادی دارم که با اینکه موقعیت های فرهنگی تحصیلی و اقتصادی خوبی دارند، همگی با مشکل ازدواج روبرو هستند. بنابراین ابتدا کمی می ترسیدم که این علاقه زود گذر باشد یا اینکه شاید خانواده اش مرا نپسندند و با من برخورد خوبی نداشته باشند. اما واقعا همسر خانواده ای بسیار محترم و منطقی دارد و

در طول این ۹ سال زندگی مشترک آنقدر بامن خوب برخورد کردند که من شاید چنین برخوردی را در خانواده خودم نبینم.»

### همه اتفاقات در نقطه های برجسته واقعی است

مسیح علایی اولین مجری نابینای رسانه ملی است. شاید قدم بزرگ او در این راستا باعث باز شدن این مسیر برای معلولان در رسانه ملی شود و دیگر معلولان مهمانان همیشگی این رسانه نباشند و خودشان روزی میزبان شوند. اما علایی می گوید که قبل از نقطه های برجسته توقعش از اجرا کار راحتی بوده اما حالا معتقد است «اجرا» واقعا هنر است. «ابتدا فکر می کردم توفیق بیشتری در اجرا دارم. اما بعد از ضبط چند قسمت فهمیدم که اجرا واقعا هنر است. حتی بارها می گفتم وای من نمی توانم ادامه بدهم. حس می کنم هنر و جسارت من در اجرا کم است. چون من خیلی با آدمها رودربایستی دارم. برای اینکه خودم شخصیت حساسی هستم. مدام در طول برنامه می ترسیدم که اگر این سوال را بکنم، شاید مهمانم ناراحت شود. در برنامه ما هیچ هماهنگی با مهمان قبل از برنامه وجود نداشت و قرار بود همه چیز در حین برنامه اتفاق بیفتد. برنامه هم گپ و گفت دو معلول باهم است. در بیشتر دوستی هایی که داشتم من شروع کننده دوستی نبودم و همیشه طرف مقابل پیش قدم می شد. اما در این برنامه برعکس بود و چون من مجری و میزبان بودم باید من یخ میهمانم را آب می کردم. بنابراین گاهی حس می کنم خوب نبودم. بنابراین مطمئنم که اجرای این برنامه از عهده یک آدم عادی بر نمی آمد و حتما باید یک معلول برنامه را اجرا می کرد.»



علایی می گوید در این برنامه همه چیز طبیعی است و هیچ فیلمی در کار نیست و اگر چیزی روی زمین می افتد و یا اینکه در پذیرایی از مهمان دچار اشتباه می شود این اتفاقات در حین ضبط رخ داده است و هیچ برنامه از پیش تعیین شده ای وجود ندارد ، در این برنامه هیچ چیز فیلم نیست. لوکیشن این برنامه خانه و زندگی واقعی من است و همه اتفاقات در برنامه طبیعی است. اگر گاهی در پذیرایی از میهمان میوه از دستم می افتد و یا به جای چای معمولی، چای نعنائی دم می کنم همه اینها طبیعی است. ولی روزهای اول ضبط برای یکی از مهمانم شیرموز درست کردم. که وقتی خواستم لیوان را توی سینی بگذارم روی زمین ریخت. چون اوایل برنامه بود دوست نداشتم این در کار قرار بگیرد. ولی در خود برنامه شما می بینید که بارها من به اشیاء مختلف می خورم و آنها را می اندازم سریع مرتبشان می کنم گاهی اوقات هم نمی توانم این کار را انجام بدهم. تهیه کننده هم جز در موارد اضطراری کات نمی داد. مثلا یکبار یک میوه از سینی من افتاد. تهیه کننده کات نداد تا اینکه مهمان من میوه را دستم داد. تمام نقطه های برجسته زندگی عادی است و قرار است سبک زندگی

با افراد معلول و نابینا را یاد بدهد. مثلا وقتی نابینا میوه تعارف می کند. شما اتو کشیده نباشید. قدری خم شوید و میوه را از روی ظرف بردارید.»

### همسر م باید چشمهای مهربانی داشته باشد

وقتی از خانم علایی می پرسم که دلش برای چهره چه کسانی تنگ شده است و کنجکاو است چهره چه کسی را ببیند جواب های جالبی می دهد: «خیلی دلم برای دیده چهره پدر و مادرم تنگ شده است. اما فکر می کنم اگر یک روز بینایی ام را به دست بیاورم سریع می برم جلوی آینه تا چهره خودم را ببینم. چون دلم برای دیدن چهره خودم خیلی تنگ شده است. خیلی دوست دارم چهره همسر م را ببینم. نه اینکه ظاهرش برایم مهم باشد نه. همسر م اگر زشت ترین مرد جهان هم باشد برایم اهمیتی ندارد. ولی خب واقعا کنجکاو چهره اش را بدانم. البته یک تصویر ذهنی از چهره اش دارم. اما حس می کنم حتما چشمهای مهربانی م باید داشته باشد.»



MEHR NEWSAGENCY

وقتی از محدودیت های نابینایی می پرسم سریع می رود سراغ کتاب خواندن و اینکه چقدر دلش می خواهد کتاب بخواند. «خیلی دوست دارم کتاب بخوانم اما نمی توانم. به خصوص اینکه من عاشق شعر و ادبیات هستم. اما نمی توانم بخوانم. دیروز من در یک مراسم شب شعر شرکت کردم که به همه بچه ها یکی از کتاب های آقای قیصرامین پور را دادند. تا کتاب را دستم گرفتم حسابی به هم ریختم. چون با همه وجود احتیاج داشتم که کتاب را باز کنم و بخوانم اما نمی توانستم. اما واقعا خوب شعر خواندن یک هنر است. من که نمی توانم از روی کتاب شعر بخوانم اما خودم خیلی خوب شعر می خوانم. گاهی اوقات هم که از کسی می خواهم برایم شعری بخواند آنقدر بد می خوانند که می گویم کافیت ادامه نده! خودم شعرخوانی آقای صالح اعلا و صدرالدین شجره و آقای عبدالجبار کاکایی را خیلی دوست دارم.»

### گاهی سر خدا غر می زنم!

خانم علایی کارمند صداوسیماست و هر روز باید سرموقع محل کارش حاضر باشد. برای همین شیوه رفت و آمدها برایمان سوال می شود: «من برای رفتن به محل کار سرویس دارم. اما اگر هم بخوام جایی بروم با آژانس میروم. چون چندین بار زمین خوردم و پام شکسته به خاطر همین ترجیح می دهم ایمن تر رفتار کنم. البته گاهی هم سرخدا غر می زنم! بنده اگه سرخدا غر نزنم چکار کند؟ همیشه همین را به خدا می گویم. سرنابینایی هم غر می زنم. اما گاهی هم خیلی حالم خوب است و کلی با خدا دوست هستم. اما زمانی که نابینایی باعث می شود نتوانی کاری انجام دهی سرخدا کلی غر می کند. مثلا از یک بنده خدایی خواستم که کنار من در مسافرتی باشد که حتی هزینه اش را پرداخت کردم. اما بعدها آن بنده خدا سرم منت گذاشت که منم وقتم را برای تو گذاشتم با اینکه تو هزینه اش را دادی اما این وقت برای من ارزشمندتر بود. یک بار هم نامه اشتغال به تحصیل از دانشگاه می خواستم که قرار شد یکی از دوستانم برود. بی دقتی که در وارد کردن معدل من داشت باعث شد که کارم انجام نشود.»



### من عاشق رنگ ها هستم!

اگر در برنامه نقطه های برجسته به پوشش خانم مجری دقت داشته باشید، متوجه هماهنگی رنگ ها و استفاده از روسری های مختلف خانم مجری می شوید. برای همین از او درباره این انتخاب رنگ ها می پرسیم: «من عاشق رنگ ها هستم. هر موقع هم که به خرید می روم به همراه می گویم که این بار چه رنگی را می خواهم بخرم. یعنی من رنگ را انتخاب می کنم و همراهم طرح روسری ها را انتخاب می کند. جا لباسی هایم را طبقه بندی کرده ام و روسری هایم را آنجا به تفکیک رنگ آنجا قرار می دهم. مثلا طبقه اول برای روسری هایی است که رنگشان به سفید نزدیک است. طبقه دوم به رنگ آبی و سرمه ای. طبقه سوم به رنگ های گرم و زرد و نارنجی نزدیک است و همینطور رنگ ها را به ترتیب مرتب چیده ام و کنارشان هم رنگ غالب را با خط بریل مشخص کرده ام که هر کدام چه رنگی است.»

<http://www.dolatabahar.com/view/158935/> گفتگو-با-اولین-مجری-نابینای-رسانه-ملی



## فاطمه هادیان سورکی

قهرمان دومیدانی جانبازان و معلولان کشور



قهرمان مسابقات دومیدانی جانبازان و معلولان کشور از نبود امکانات فنی و مالی مناسب برای رشد استعدادهای ورزشی انتقاد کرد.

به گزارش خبرنگار ورزشی **بلاغ**، قهرمان ۱۶ ساله مسابقات دومیدانی جانبازان و معلولان کشور در این باره از برخی ناعدالتی‌هایی که بین ورزشکاران سالم معلول وجود دارد انتقاد کرد و افزود: برخی رشته‌های ورزشی مانند فوتبال افراد عادی تمام توجهات و امکانات مالی و تجهیزاتی را به خود اختصاص داده‌اند در حالی که همان رشته در بخش معلولان وضعیت برعکس دارد و این در مورد تمام رشته‌های ورزشی معلولان وجود دارد.

فاطمه هادیان سورکی در سال ۱۳۷۶ متولد شد و تا سن ۸ سالگی راه میرفت . فاطمه وقتی

یک روزه بود عمل شد همچنین وقتی ۷ روزه و یک و نیم ساله بود بدلیل انحراف ستون فقرات عمل کرد و در نوبت آخر که ۸ ساله بود مورد عمل قرار گرفت که بعد از آن دیگر نتوانست راه برود.

مادر فاطمه در گفتگو با ما گفت : برنامه های ورزشی تلویزیون را که نگاه می کردم علاقه مند شدم و به فاطمه پیشنهاد کردم ولی در ابتدا راضی نبود و مقاومت می کرد که با اصرار او را به باشگاه بردم.

وقتی او را به باشگاه بردم آقای آجیلی مربی باشگاه در ابتدا گفت که تردید نکنید که او قهرمان جهان می شود

فاطمه در کلاس f53 رشته دو و میدانی فعالیت می کند و تا بحال در مسابقات مختلف توانسته مقام های متعددی کسب کند که از آن می شود به مقام اول مسابقات پرتاب نیزه سال ۸۹ در مشهد ، مقام دوم مسابقات پرتاب وزنه قهرمانی کشور، مقام نخست مسابقات استانی در بابل ، کسب دو مدال طلا در رشته های پرتاب نیزه و پرتاب وزنه در مسابقات کشوری سال ۹۰ ، در سال ۹۱ در مسابقات استعداد یابی برای ورود به تیم ملی در هر دو رشته اول شد و در همان سال در مسابقات پرتاب نیزه کشوری مدال برنز گرفت.

فاطمه هادیان می گوید : رشته اصلی من پرتاب نیزه است و در کنار آن بصورت انفرادی تمرین پرتاب وزنه هم می کنم که اگر جایی می شود در هر دو رشته شرکت کرد بتوانم شرکت کنم

فاطمه ادامه داد : چند وقت پیش رکود گیری برای رفتن به مسابقات فرانسه شد که مربیان از رکورد و تکنیک من خوششان آمد و در حال حاضر هم دارم برای مسابقات پار آسیایی

که آبان ماه در مالزی برگزار می شود آماده می شوم و در تیر ماه نیز اردویی به همین منظور داریم.

این ورزشکار با انگیزه سورکی از کمبود امکانات در شهر می گوید : هیچ امکاناتی در میاندروود برای تمرین کردن وجود ندارد و هیچ حمایتی از ما نشد و حتی قول لوازم ورزشی را دادند ولی هیچ چیز عملی نشد

مادر فاطمه در ادامه گفت : من فاطمه را برای تمرین به پارک نوشیروانی بابل و یا منابع طبیعی ساری میبرم و مسئولان استانی و شهرستان ساری از فاطمه حمایت‌های خوبی کردند و فدراسیون هم در حد توان کمک‌های به ما کرد ولی در شهرستان از فاطمه هیچ حمایتی نشد

مادر سختکوش فاطمه هادیان خاطر نشان کرد : فاطمه در ابتدا با سنگ و چوب تمرین می کرد و بعد مدتی به شهرداری مراجعه کردیم که شهردار لطف کردن هزینه خرید یک نیزه و یک وزنه را دادند

مادر این ورزشکار موفق درخواستی نیز از مسولین شهرستان داشت و گفت : درخواستم از مسولین این است که کاری کنند که فرزندم دیده شود

خانم حوریه بهرامی مادر فاطمه از کم و کاستی های شهر انتقاد کرد و گفت : فاطمه در مدرسه می خواهد به رشته کامپیوتر برود ولی متاسفانه چون کلاس کامپیوتر مدرسه در سورک در طبقه دوم می باشد و رمپی برای رفت و آمد با ویلچر به طبقه دوم وجود ندارد باید فاطمه را به مدرسه ای در ساری ببریم

وی اضافه کرد : با مسولین مدرسه سورک صحبت کردم ولی گفتند چون امکانات رشته کامپیوتر در طبقه دوم مستقر می باشد و مقرون به صرفه نیست که به طبقه همکف بیاوریم و

نمی توانیم این کار را انجام دهیم و فاطمه هم ، چون دوستاش در اینجا هستند دوست ندارد به ساری برود و برای ما هم سخت است که او را به ساری ببریم و هزینه آن زیاد است و یا باید به رشته ای برود که دوست ندارد

بهرامی افزود : پدر فاطمه هم از بیکار رنج می برد و مشکلات ما افزون تر شده است ، معلولیت او ، هزینه ایاب و ذهاب ، رفت و آمد به ساری ، نداشتن امکانات در میاندروود.

مادر این قهرمان پرتاب با نیزه جانبازان و معلولین تصریح کرد: ما خانمان در کنار دخانیات است دود آن را می خوریم ولی از کارگران سورکی استفاده نمی شود و بعنوان راننده درخواست کار دادیم ولی قبول نکردند در حالی که راننده از بهشهر و جاه های دیگر می آورند.

وی اضافه کرد : خودم هم دارم کلاس مربیگری می روم تا بتوانم بیشتر در کنار فاطمه باشم و بهتر به او کمک کنم

در ادامه فاطمه از انگیزه ها و هدف هایش برایمان گفت و تاکید کرد : تلاشم این است که آماده شوم برای موفقیت در مسابقات و حضور در پارالمپیک برزیل و کسب افتخار برای ایران و شهرستانم

این ورزشکار پرتاب با نیزه سورکی در انتها از مسئولین شهر و شهرداری گلایه کرد و گفت : مسئولین شهر فضای شهر را مناسب سازی نکردند که بتواند به راحتی رفت و آمد کنم.

این دانش آموز میاندروودی نقش خانواده اش را در موفقیت های ورزشی اش مهم دانست و از زحمات پدر و همچنین مادرش به عنوان مربی خود تشکر کرد و افزود: در خواست من رسیدگی بیشتر به جامعه ورزشکاران معلول و دیده شدن آنان است.

<http://www.bloghnews.com/fa/doc/news/18769/> برزیل - پارالمپیک - مدال - کسب - هدف - نشد - عملی - دادند - ولی - عملی - نشد - هدف - کسب - مدال - پارالمپیک - برزیل

## سعید صباغی

روانشناسی معلولین - مثبت اندیشی مبتنی بر واقعیت نه دروغ



**معلولیت چیست؟! معلول کیست؟ آیا واقعا معلولیت محدودیت نیست؟! این روزها یک** عده روانشناس ظاهر سالم به اشتباه چون که درک درستی از معلولین و معلولیت ندارند برای امید دادن به منو شمای معلول به ما دروغ میگویند و افکار نا درست خویش را بخورد منو شما میدهند اغلب ما هم رو حساب اینکه طرف روانشناس است و حتما بیشتر از ما میداند این افکار را که او با نام مثبت اندیشی به ما تلقین میکند می پذیریم و جزء باور ما میشود! آنها به ما میگویند معلولیت محدودیت نیست یکی نیست پُرسه محدودیت

چیست؟ مثلال من ویلچری هستم و توانایی بالا رفتن از پله ، کوه و مانند این هارامثل افراد سالم ندارم پس من محدود به آنم تا برای گردش و تفریح جایی را انتخاب کنم که ویلچر رو باشد آیا این محدودیت است یا نه؟ در ثانی نوع انسان محدود به زمان و مکان است چگونه میتوان گفت معلولیت که سبب تفاوت هایی میان ما و افراد سالم شده محدودیت به حساب نمی آید؟! پس نتیجه میگیریم که معلولیت نوعی محدودیت متفاوت است. روان شناسابه بهانه ی مثبت اندیشی میگویند افرادی که محدودت جسمی دارند (ویلچری ها ، نا بینا ها ، نا شنوا ها و...غیره) معلول نیستند! آنها میگویند معلول کسیست که نمی اندیشد! و این غلط است معلولیت یعنی محدودیت های متفاوت و ما معلولیم آنها که فکر نمیکنند و یا فکر های بد میکنند معلول نیستند آنها بیماران روانی هستند که امیدواریم به حق این روز های عزیز خدای متعال لباس عافیت به تنشان بپوشاند. مثبت اندیشی این نیست که ماهیت معلولیت را زیر سوال ببری و معلولیتت را و محدودیتت را کتمان کنی!!! این کار دروغ گویی به خود است نه مثبت اندیشی مثبت اندیشی واقعی پذیرش معلولیت با تمام محدودیت هایش است و تسلیم نشدن یعنی اینکه بگویی من معلولم با این محدودیت ها و تفاوت ها و گشتن دنبال توانایی های خود و تقویت آنها مثبت اندیشی واقعی یعنی این دوستان گل من بیاید به خود دروغ نگوئیم و اجازه ندهیم به ما دروغ بگویند و ماهیت وجودیمان را زیر سوال ببرن و از ما بگیرند معلولیت جزئی از ماهیت وجودی ماست آن را بپذیریم

## گفتگوی کوتاه با زهرا قاسمی



از شما ممنون هستیم که درکوپه ویژه با ما گفتگو میکنید ، زهرا قاسمی فارغ التحصیل کارشناسی رشته فیزیک ، چه شد که شما از ناحیه پا دچار محدودیت حرکتی شدید؟

کاملاً به صورت اتفاقی ، اواخر دوران دبیرستان به دلیل کاهش نمره تربیت بدنی و به دستور مربی این واحد تحصیلی ملزم به گرفتن مجوز پزشکی شدم ، به واسطه گرفتن مجوز پزشکی متوجه شدم بیماری در من در حال آشکار شدن است...

شنیدن این مسئله ، برای شخصی که در تمام زمینه ها ممتاز و سرشار از انرژی و هیجان است و در اوج سن بلوغ و نوجوانی به اجبار دچار محدودیت هایی خواهد شد، بسیار سنگین

و غیر قابل باور بود. اما به کمک خانواده و پدر و مادرم ، دو فرشته ی مهربانی که همیشه و همه جا حامی من بودند و هستند ، بعد از مدت دو سال با بیماری ام کنار آمده و ادامه ی مسیر پر هیاهوی زندگی...

### **سخت نبود با وجود معلولیت دانشگاه رفتن و ادامه تحصیل ؟**

سختی برای فرد معلول در هر مرحله ای وجود خواهد داشت، اما سخت ترین مسئله ای که باعث دلسردی یک شخص معلول ، مثل من میشد و می شود، نگاه های ممتد و ترحم انگیز اطرافیان و زیر سوال برده شدن توانایی ها به دلیل معلولیت است، همچنین باور نداشتن و اجازه ندادن های بعضی اساتید محترم آزمایشگاه که نگران بودند به واسطه بیماری ام شاید برخی مسائل از عهده بنده خارج باشد، اما به یاری خداوند و با گرفتن نمرات خوب، نشان دادم که معلولیت مانعی برای بروز توانمندیها نمی باشد.

### **من شنیده ام که موقع پذیرش شما در دانشگاه سخت گیریهایی نیز انجام شده ، واقعیت دارد ؟**

نه تنها موقع پذیرش در دانشگاه ، جاهای مختلف دیگر، از جمله : موقع گرفتن گواهی نامه سخت گیریها وجود داشت . با وجود پنج سال مراجعه ، حتی اجازه ثبت نام در کلاس های آموزشگاه ها به من داده نمی شد، تا اینکه با پیگیریهای زیاد و پشت سر هم، در پنج سال و بعد از سد های مختلف که در سر راه من قرار می دادند، اجازه ثبت نام در آموزشگاه به بنده داده شد و تابستان ۹۲ در عین ناباوری هایی که برایم به وجود آمده بود ، موفق به گرفتن گواهی نامه شدم ، شاید این مجوز برای هر شخص دیگری یک اتفاق طبیعی و یا مسئله مهم و خاصی به نظر نیاید ، اما شیرینی آن برای من به اندازه گرفتن جایزه نوبل در فیزیک بود...



## بار چندم قبول شدید ؟

من در همان مرحله اول قبول شدم.

## به نظر شما چگونه می توان پتانسیل ها را به فعل تبدیل کرد ؟

یک سری پتانسیل های نهفته ای در نهان هر کسی وجود دارد که به صورت پتانسیل های کشسانی در شخص ذخیره شده و برای شکوفا کردن این پتانسیل ها اولین آیتم و اولین نکته ای که هر شخص باید به آن توجه کند ، خودباوری است.

## یک فارغ التحصیل کارشناسی رشته فیزیک گفت پتانسیل های کشسانی، درست است ؟

بله ، پتانسیل های کشسانی آن دسته از پتانسیل هایی هستند که هنوز به انرژی جنبشی تبدیل نشدند.

## باتوجه به رشته تحصیلتان جواب دادید ،چه فکری برای آینده دارید؟

در حال حاضر به عنوان ، عضو کوچکی از هیئت مدیره در جامعه معلولین اصفهان فعالیت میکنم و اهداف ما خدمت کردن به بچه هاست و با بالا بردن اعتماد به نفس و خودباوری در آنها، درواقع بستر سازی خواهیم داشت برای حضور هر چه بیشتر آنها در جامعه و میادین مختلف...

و بعد از کمک به دوستان ، هدفم ، قبول شدن در مقاطع بالاتر تحصیلی است...  
تحسین برانگیز است همت خانم قاسمی و همراهی خانواده با ایشان برای خانم قاسمی و خانواده ایشان آرزوی موفقیت داریم، ممنونیم که به کوبه ویژه امروز آمدید .

<http://www.esfahanhandicap.ir/news.php?readmore=353>

این مرد کفشی رو طراحی کرده که توسط اون بتونه  
به دختر فلج ش کمک کنه احساس  
راه رفتن رو درک کنه...

هیچ چیز به اندازه ی یک کوه شبیه پدر نیست



هیچ وقت به قدرت واقعی خود پی نخواهید برد ،  
مگر اینکه هدفی را تعیین کنید و تصمیم بگیرید بی چون  
و چرا به آن برسید ...



## خانم ماری اندروز



آقای دن ((پروفسور و محقق دانشگاه)) و خانم ماری اندروز ((فارغ التحصیل دانشگاه)) زوج مورد اشاره در این نوشتار هستند، خانم ماری از کودکی به پوکی استخوان شدیدی مبتلا، و همین مسئله باعث گذراندن زندگی متفاوت با دیگر هم سن و سالانش بود، او پس از پایان دوران تحصیل کارمند اداری یک مدرسه شد و مثل تمام دختران دیگر رویای عشق را در سر میپروراند تا اینکه در دنیای مجازی با آقای دن اندروز آشنا شد و پس از چند سال ادامه تحصیل با تشویق دن، و گردش دور دنیا ازدواج کردند، در پی این ازدواج با استفاده از تکنولوژی مدرن رحم اجاره ای در سال ۲۰۱۳ صاحب فرزندی به نام مارک شدند، در حال حاضر مارک ۱۹ ماهه دو برابر مادرش وزن دارد تا جاییکه در یک وعده برخورد پای کودک به مادر چند دنده مادر شکسته اما با این وجود نه تنها دن خود را مردی خوشبخت میداند بلکه ماری نیز در جمله ای میگوید ((گرچه من بدنی نصفه و نیمه دارم اما این مسئله نمیتواند در راه مادری فوق العاده بودن متوقفم کند)) لازم به ذکر است که ماری دچار مریضی قلبی شدیدی هم میباشد اما با این وجود از زندگی خود بسیار خوشنود است و همچنان رویاهای بزرگتری در سر میپروراند.





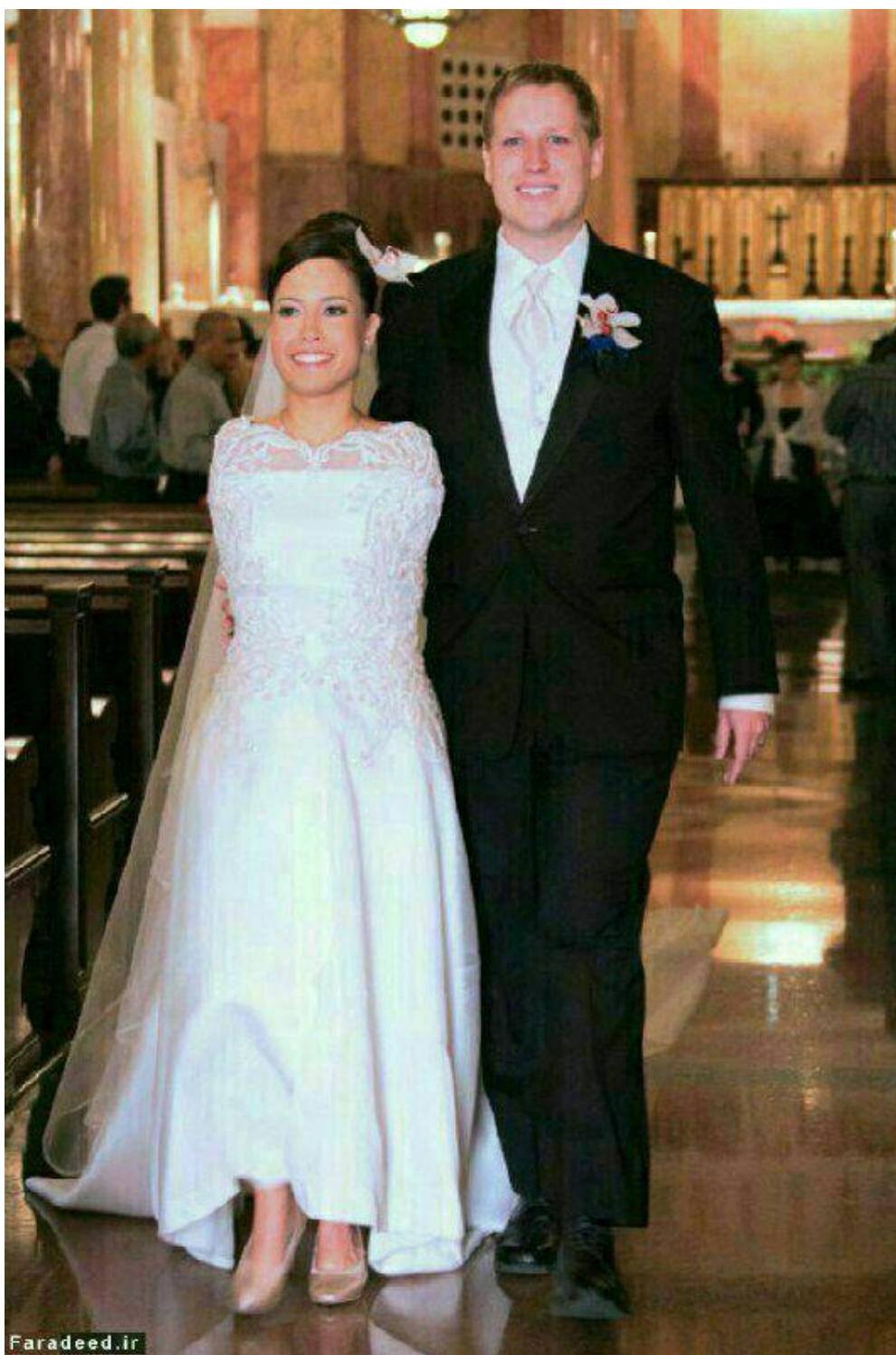








جسیکا کاکس اهل آمریکا با وجود نداشتن دو دست ، گواهینامه خلبانی خود را از انجمن هواپیمایی آمریکا دریافت و به عنوان بهترین خلبان زن بدون دست آمریکا لقب گرفته است.



جسیکا کاکس که اکنون کمر بند مشکی انجمن تکواندوی امریکا را نیز دریافت کرده است مادرزادی بدون دست متولد شده و حالا در ۳۲ سالگی به یکی از موفق ترین زنان امریکا تبدیل شده است.

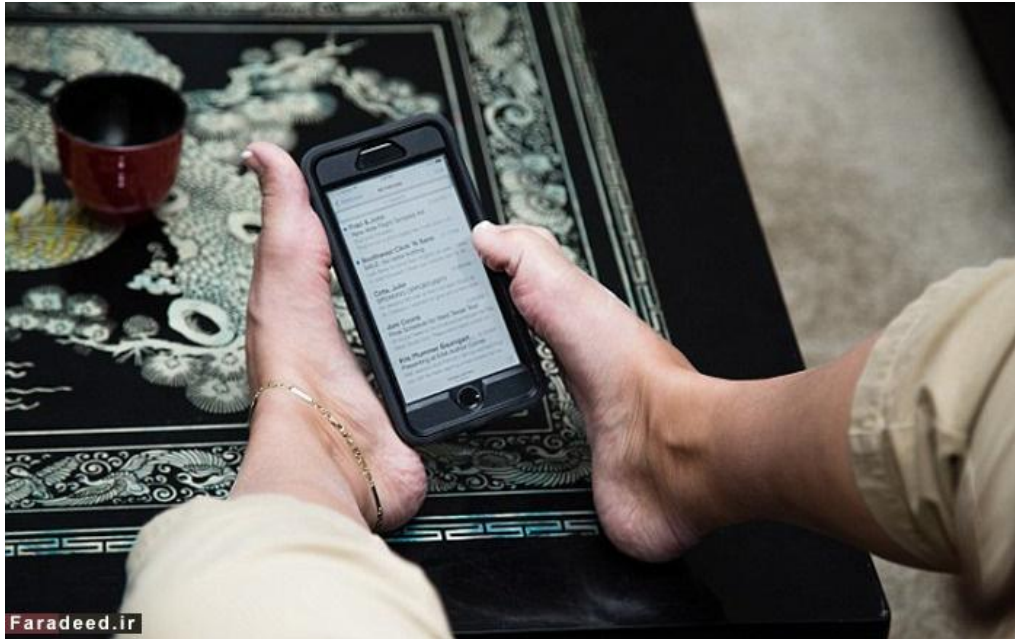
او در ۱۴ سالگی تصمیم می گیرد که از دست های مصنوعی استفاده نکند و به جای آن از پاهایش برای انجام کارها کمک بگیرد نتیجه اش اینکه حالا او می تواند رانندگی و غواصی کند ، تایپ کند و پیانو بنوازد حتی با پاهایش لنزهای مصنوعی چشمش را بگذارد.

او که در سال ۲۰۰۸ پس از سه سال آموزش موفق به دریافت گواهینامه خلبانی شد و نامش در کتاب رکوردهای جهانی گینس به ثبت رسید ازدواج کرده و حتی در روز عروسی اش توانست قطعه ای کیک در دهان همسرش بگذارد.

**سوال : ناتوان یعنی چه؟! 🖱️ 🖱️**

**خلبان، تکواندوکار و پیانیست؛ این زن دست ندارد!**

جسیکا کاکس « اهل منطقه «تاکسون» آمریکا با وجود نداشتن دو دست، گواهینامه خلبانی خود را از انجمن هواپیمایی امریکا دریافت و به عنوان بهترین خلبان زن بدون دست امریکا لقب گرفته است.



### جسیکا کاکس؛ زنی معلول اما موفق

به گزارش فرادید به نقل از دیلی میل، جسیکا کاکس که اکنون کمر بند مشکی انجمن تکواندوی امریکا را نیز دریافت کرده است مادر زادی بدون دست متولد شده و حالا در ۳۲ سالگی به یکی از موفق ترین زنان امریکا تبدیل شده است. او در ۱۴ سالگی تصمیم می گیرد که از دست های مصنوعی استفاده نکند و به جای آن از پاهایش برای انجام کارها کمک بگیرد نتیجه اش اینکه حالا او می تواند رانندگی و غواصی کند، تایپ کند و پیانو بنوازد حتی با پاهایش لنزهای مصنوعی چشمش را بگذارد.

او که در سال ۲۰۰۸ پس از سه سال آموزش موفق به دریافت گواهینامه خلبانی شد و نامش در کتاب رکوردهای جهانی گینس به ثبت رسید ازدواج کرده و حتی در روز عروسی اش توانست قطعه‌ای کیک در دهان همسرش بگذارد.

جسیکا تلاش می‌کند که درباره معلولان و شرایط و محدودیت‌هایشان آگاهی‌رسانی کند و اخیراً برای انجام این کار در اجرای بهتر کنوانسیون سازمان ملل در زمینه حقوق افراد معلول رایزنی کرده است؛ کنوانسیونی که براساس قانون شهروندی امریکا برای معلولان است اما حقوق شهروندی را به افراد معلول در جهان تسری می‌بخشد.

او به نمایندگی از معلولان تاکنون به ۲۰ کشور دنیا برای ترویج کنوانسیون سفر کرده و به والدین افراد معلول و فرزندان‌شان نیز کمک می‌کند. جسیکا با وجود دستاوردهای فراوان، هنوز مشکلات بسیاری برای زندگی کردن دارد اما تصمیم گرفته است که مثبت بیندیشد. جسیکا معتقد است: «می‌توانستم به خاطر شرایطم خشمگین باشم که در بچگی همینطور هم بود. اما آموختم که می‌توانم قدردان باشم، آموختم که سپاسگزار بودن احساس بهتری دارد».

قرار است براساس زندگی جسیکا فیلمی مستند ساخته شود که سال‌های زندگی او را ثبت کند. تهیه‌کننده مستند اعتقاد دارد: «داستان زندگی جسیکا کاکس می‌تواند انسان‌های زیادی را که با شرایط سخت دست و پنجه نرم می‌کنند، به فکر بیاندازد. تلاش جسیکا برای غلبه بر حس از خودبیگانگی و نفرت همان چیزی است که انسان‌های سالم و توانا مخصوصاً دختران نوجوان می‌توانند با آن ارتباط برقرار کنند».



Faradeed.ir



Faradeed.ir





Faradeed.ir



Faradeed.ir



Faradeed.ir



Faradeed.ir





Faradeed.ir



Faradeed.ir



Faradeed.ir



Faradeed.ir



<http://www.khabaronline.ir/detail/431734/multimedia/picture>



## این تصویر خیلی لایک داره

فرانسه ۱۸۹۰

همکاری و وابستگی متقابل "چارلز تریپ" مردی که پا ندارد  
و "ریچارد بوون" مردی که دست ندارد

هیچ یک از ما کامل نمیشویم مگر با همبستگی و همدلی با یکدیگر ...

## آرزویی برای فرشته های زمینی - کسی که معلولیت محدودیتی برایش نیاورده



### بهروز تقی زاده

تاریخ تولد: ۱ / دی / ۱۳۵۸  
معلولیت: فلج، به دلیل تزریق واکسن فاسد فلج اطفال  
تحصیلات: فوق دیپلم فنی حرفه ای  
فعالیت: دارای ۸ مدرک  
(فتوشاپ، تدوین فیلم، اینترنت، رایانه کار،  
حسابداری، انیمیشن سازی، تایپ) از سازمان فنی  
و حرفه ای- دبیر کانون معلولان محله گلشن-  
تدوینگر موسیقی و فیلم

## مصاحبه روزنامه همشهری، آرزوهایی برای فرشته های زمینی، بهروز تقی زاده

آتششاه محمدلو

نخستین بار که او را در جلسه کانون معلولان دیدم، با توجه به اوضاع جسمی اش یاد دانشمند بزرگ غرب، یعنی استیون هاوکینگ افتادم. استیون با همه سختی هایی که از مسائل جسمانی اش تحمل می کند، هیچگاه خودش را مغلوب بیماریش نکرده و تا به امروز

که زنده است، با توجه به روند بدتر شدن بیماریش، لحظه ای از خدمت به بشتریت دست برنمی دارد. با این حال که قدرت تکلم ندارد ولی بیشترین تاثیر را در فرضیه های ثابت شده و نشده نجوم و کهکشان ها گذاشته است. با دیدن بهروز ناخودآگاه، یک رابطه روحی و یک شباهت بین او و هاوکینگ در ذهنم ایجاد شد. نکته های مشترک بین آنها فراوان است، فقط بستگی به میزان باور و ایمان آنها در توانایی تاثیر گذاریشان بر بشریت دارد

### اشتباهات پزشکی و آغاز راه

شنبه، شب یلدا، ساعت دو نیمه شب، بهروز با ده دقیق اختلاف با خواهر دوقلویش، پروین در یکی از بیمارستان های تبریز به دنیا آمد. در سه سالگی شان بود که تزریق واکسن فلج اطفال، باعث فلج شدن آنها شد. در پنج و شش سالگی، آنها دوبار مورد عمل جراحی قرار گرفتند و به گفته بعضی از نزدیکانشان، عمل جراحی باعث شد بیماری آنها شدت بیابد. تا پانزده سالگی، بهروز و پروین می توانستند با کمک دیوار یا تکیه گاه راه بروند، ولی عمل جراحی دیگرشان در همین سن، باعث شد نه تنها بهتر نشوند، بلکه پروین تنها دختر خانواده و دوقلوی بهروز، بر اثر عفونت شدید ریوی در سالروز تولدشون، جانش را از دست بدهد. غم از دست دادن تنها خواهر، سختی و مشقت فلج شدن بهروز را دوچندان کرد. بهروز بعد از پانزده سالگی، توانایی حرکت دادن همه اعضا بدنش را از دست داد و اگر پروین زنده بود، شاید آنها با دیدن هم می توانستند دردهایشان را تقسیم کنند و یا اینکه می دانستند، کسی هست که حال و روز آنها درک کند.

### گذشت زمان و شروع به کار

با گذشت زمان، بهروز همه تلاشش را کرد تا با هر شرایطی روی پای خوش بایستد. بهروز پنج سال در تبریز مغازه صوتی و تصویری داشت و در بیست و چهارسالگی، همراه خانواده

اس به تهران آمد. بهروز دارای هشت مدرک از سازمان فنی و حرفه ای است که به نوعی از همپاها استفاده کرده و با گذشت زمان و کم شدن حس دست هایش، از بعضی از آن رشته ها کمتر استفاده می کند و از رشته های دیگر بیشتر. بهروز همیشه سعی می کند، انتقادهای پیشنهادها و نظراتش را به گوش مسئولان و مدیران برساند. از مناسب سازی اماکن عمومی برای عبور معلولان گرفته تا دفاع از حق آنها در مورد دریافت حقوق و مزایا از بهزیستی. جالب است بدانید، عکس های زیادی به عنوان اماکن مناسب سازی، بهروز برایمان ارسال کرده است، آن هم با اوضاع بسیار دشوار جسمی.

### فرشته های خانه بهروز

پدر بهروز بازنشسته کارخانه ماشین سازی تبریز و مادرش خانه دار است. بهروز دو برادر دارد که به همراه پدر و مادرشان، لحظه ای بهروز را تنها نگذاشتند. بهروز می گوید: «پدر و مادرم اهل تبریزند و همه فامیل و دوستانمان در این شهر زندگی می کنند و طبیعی است که آنها برای بسیاری از مراسم ها به این شهر دعوت شوند، ولی آنها هیچوقت با هم به مسافرت نرفته اند. همیشه یک نفر پیش من می ماند و دیگری می رود». او ادامه می دهد: «از صبح که چشمانم را باز می کنم، بعد از خدا پدر و مادرم هستند، که روز را برایم شروع می کنند. لباس، غذا، بهداشت، تفریح، کار و همه امورات زندگی من با دستان خستگی ناپذیر و مهربان پدر و مادرم انجام می شود. اگر آنها این قدر هوای من را نداشتند، نمی دانم الان چه وضعیتی داشتم»

### ناصر و رضا دو برادر باغیرت

رضا برادر بزرگتر بهروز، صاحب مغازه ابزار و آلات موسیقی است که کارهای سفارشی رضا از قبیل آهنگسازی، تدوین و تنظیم بر عهده بهروز گذاشته است. بهروز هم از همه

آموخته هایش استفاده می کند تا کارهایش را هرچه بهتر نزد برادرش انجام دهد. ناصر برادر کوچکتر بهروز است که ازدواج کرده و صاحب دو فرزند با نام های صدرا و باران است. ناصر همراه همسر و فرزندان در طبقه بالای بهروز زندگی می کند و هر لحظه گوش به زنگ است تا اگر بهروز و پدر مادرش نیاز به کمک داشتند، در کمترین زمان ممکن خودش ر به طبقه پایین برساند. رضا و ناصر هیچگاه نگذاشتند از هیچ نظری به بهروز بد بگذرد و همیشه به بهترین شکل مراقب برادرشان بوده اند. بهروز هم همیشه قدردان خانواده دلسوزش است

### امان از زخم بستر

شرایط جسمی بهروز طوری است که باید تمام روز را روی صندلی چرخدار برقی اش بنشیند و با حرکات کم و کوچک انگشتانش، صندلی چرخدار را هدایت کند. می توان فهمید، صندلی چرخدار بهروز نقش حیاتی برای تحرک و برقرار کردن روابط بیرون از خانه دارد. متأسفانه استفاده طولانی از این وسیله باعث ایجاد زخم بستر می شود. زخم بستر، زخمی است که ماه ها درمان آن طول می کشد. بهروز طوری از زخم هایش تعریف می کند که انگار از یک دوست قدیمی صحبت می کند. او می گوید: «این زخم ها در ابتدا به صورت تاول های بزرگ، دردآور و پر از عفونت ظاهر می شوند. معمولاً سه ماه طول می کشد تا عفونت درون تاول ها خشک یا تخلیه شود. زخم بستر چیزی نیست که زود خوب شود، من به بودنشان عادت کرده ام»

### آرزوی بهروز برای فرشتگانش

بهروز هیچ آرزویی برای خودش ندارد. او می گوید: «از این دنیا هیچ چیز نمی خواهم، حتی سلامتی، چرا که به زندگی با این وضعیت عادت کرده ام، اگرچه هنوز نپذیرفته ام. تنها



آرزوی من این است که پدر و مادرم را به سفر حج بفرستم تا بتوانم گوشه ای از این همه زحمت هایی را که برای من کشیده اند جبران کنم.

### گله از مسئولان

بهروز می گوید: «از مسئولان در هر مقامی که هستند، گله دارم. میزان تلاش آنها برای بهروز زندگی معلولان، با همه مشکلات جسمی و معیشتی ای که دارند اصلاً چشمگیر نیست و هیچ تغییر مثبتی در زندگی معلولان ایجاد نشده است. اگر هم فعالیتی بوده، همگی سطحی و برای اسم و رسم بوده است. بیشتر کشورها از معلول، مالیات و عوارض نمی گیرند و در قبال آن هم بهترین امکانات را در اختیارشان می گذارند که متأسفانه این مسئله در کشور ما برعکس است»

بهروز باید بداند که

...

کتاب «استقامت به خرج بده»، ترجمه نفیسه معتکف، جملات بسیار زیبایی دارد و حیفم آمد چند جمله ای از آن را به بهروز و بهروزها تقدیم نکنم.

«گذشته حکم لنگری را دارد که ما پایین نگه می دارد. تا وقتی هر آنچه را بودیم رها نکنیم، نمی توانیم آن چیزی شویم که هدفمان بوده است. سخت ترین ایام، می تواند موهبتی الهی باشد در هیئتی متفاوت. زندگی صدایت می کند. اشتیاقی در دلت به ودیعه گذاشته شده است که شاید ندای زندگی را جواب دهی. برایت آرزوی روزهای صاف و آفتابی را دارم، همچنین قدرتی که بتوانی از روزهای ابری زندگی ات رد شوی. قوی باش و هرگز از ایمان به خود و خدای خودت دست بردار»

## علی رضا نوروژی

### قطع نخاعی ها نا امید نباشند

نام و نام خانوادگی: علی رضا نوروژی

سال تولد: ۷ / اردیبهشت / ۱۳۶۱

مدرک تحصیلی: دیپلم انسانی

معلولیت: قطع نخاع به دلیل سانحه رانندگی

فعالیت: ساخت دستگاه فیزیوتراپی از نمونه آلمانی آن در منزل

اهل ورزش

خدمت سربازیش را تازه تمام کرده بود و بعد از کلی این در و آن در زدن توانسته بود، مغازه ای در فلکه اول تهرانپارس بگیرد و در آن مشغول به کار شود. روزهای اول کارش بود و ذوقی فراوان داشت تا بیشتر وقتش را در محل کارش بگذراند، چرا که بعد از سربازی دوست داشت نهایت استفاده را از وقتش ببرد. در همان روزهای اول، در یکی از همان شبها، وقتی کرکره مغازه را پائین می کشد تا به منزل برود، سوار بر موتورش می شود و در مسیر اصلی که قرار داشت، با خودرویی که از کوچه ای وارد خیابان می شد، تصادف کرد و به گوشه ای از خیابان پرت شد که این حادثه منجر شد که او قطع نخاع شود و به همین راحتی در یک حادثه، مسیر زندگیش تغییر کند.

علی رضا نوروزی می گوید: "مسیر اصلی زندگم تغییر نکرده است فقط زمان بیشتری برای رسیدن به بعضی از اهدافم می خواهم".

او می گوید: "با معلولیتم توانسته ام دوستان خوبی پیدا کنم و بتوانم خیلی از آدمهایی را هر روز از کنار من می گذشتند و من هیچ درکی از آنها نداشتم را، درک کنم".

از اول پر تلاش بود

علی رضا از همان روزهای اول که به خانه رفت، هدفش این بود که تا جایی که ممکن است سلامتی اش را به دست آورد و در این مسیر از هیچ تلاشی کوتاهی نکرد. به گفته خودش خانم قاسمی و دکتر محمد رضا هادیان برای او بسیار زحمت کشیدند و زحمت فیزیوتراپی او در خانه بر دوش آنها بوده و بسیاری از پیشرفتهای فیزیکی و جسمی اش را مدیون آنهاست. او آنقدر به ورزش، کار درمانی، فیزیوتراپی، لیزر درمانی و انواع درمانهای دیگر ادامه داد تا توانست به نتیجه برسد و برای همیشه از روی صندلی چرخدار بلند شود.

او در هر شرایطی اهل سفر است

چقدر باعث خوشحالی است که پای راست، پای چپ، دست راست و دست چپی که برای همیشه از کار افتاده بودند، دوباره به کار افتاده و حس پیدا کرده اند. روحیه علی رضا بسیار شگفت انگیز است و هیچ چیزی نمی تواند مانع کارهای روزانه و علائقش شود. روی پا ایستادن برای همه چقدر عادی است، ولی برای علی رضا و امثال او شاید بزرگترین اتفاق زندگیشان باشد. او در هر شرایطی به سفر می رود و شاید یکی از عوامل روحیه خوبش، همین سفرهای دور و نزدیکی باشد که گاهی با خانواده است و گاهی با دوستان.

او بسیار اهل ورزش است و در خرید و فروش خودرو بسیار حرفه ای.

ایمان به شفا داشت

در حین گفتگو با علی رضا، لحظه به لحظه پیشرفت فیزیکی و جسمی او را احساس می کردم. مخصوصاً لحظه ای را که بعد از سالیان تلاش، پشتکار، هزینه فراوان و امتحان کردن درمانهای مختلف، بالاخره آن لحظه شیرین و باور نکردنی رسید و او توانست برای یک ساعت و نیم روی پاهایش بایستد.

همه این مراحل به من آموخت که در این دنیا هیچ چیز نشد ندارد و همه چیز به باور و ایمانمان بستگی دارد. شاید اگر علی رضا لحظه ای به ایمان و باورش شک می کرد، برای همیشه می بایست روی صندلی چرخدارش بنشیند.

ساخت دستگاه مورد نیازش

او در روزهای اول باید مسیرهای طولانی را می پیمود تا به مراکز توانبخشی که برای درمانش واجب بود برسد. از طرفی هم خرید آن دستگاه که به قیمت دو و نیم میلیون تومان بود برایش مقدور نبود به همین دلیل با همکاری دوستش، کامران بخشی پور و پدر کامران که آشنا به کارهای فنی بود، توانستند دستگاه توانبخشی مورد نیازشان را در منزل و با کمترین هزینه بسازند. و از آن در منزل استفاده و در هر زمانی استفاده کنند.

درمان با طب سوزنی

در دوره ای از درمانش، از روش طب سنتی بسیار نتیجه گرفته است. او برای این کار پیش

دکتر وفا در زنجان می رفته هفته ای پنج روز را در آنجا می گذرانده است. و شاید یکی از مسائلی که در مورد طب سنتی باید رعایت شود، پیگیری و تکرار این درمان است که اگر وقفه ای در این درمان بیافتد، اثقر گذاری آن کم می شود و علی رضا با پشتکاری که داشت توانست، از این درمان بسیار نتیجه بگیرد.

### مرکز سیدالساجدین و درمان او

او سالیان است که با مرکز سیدالساجدین و دکتر رحیمی در ارتباط است. از همان روزهای اول تاسیس این مرکز، او و دکتر رحیمی دوستان نزدیکی شدند و بسیاری از پیشرفتهای جسمی اش را مدیون این مرکز و همکاری دکتر رحیمی است. مدتی بود که دکتر رحیمی در فکر راه اندازی مرکز فروش وسایل و تجهیزات مورد نیاز توانیابان و مراجعه کنندگان این مرکز و این منطقه بود که با همکاری علی رضا نوروزی، حدود یک ماه است که این مرکز راه اندازی شده است. علی رضا می گوید: " نهایت تلاشمان را می کنیم تا بهترین و مناسب ترین خدمات و هزینه را در اختیار خریداران قرار دهیم

## راه رفتن دوباره مرد مبتلا به فلج نخاعی پس از تزریق سلول بویایی به نخاع



یک مرد لهستانی که در اثر جراحی ناشی از ضربه چاقو از کمر به پایین فلج شده بود با تزریق سلول‌های عصبی بویایی به نخاعش دوباره توانسته راه برود. این کار را جراحان لهستانی با کمک متخصصان عصب شناسی بریتانیایی انجام دادند و نتایج آن را در نشریه پیوند سلول منتشر کردند.

دارک فیدیکا، چهل ساله در سال ۲۰۱۰ مورد حمله قرار گرفت و چند ضربه چاقو خورد. در این مدت او از کمر به پایین فلج بود و با وجود درمان و بازتوانی بسیار، هیچ نشانه‌ای از بهبود نشان نداده بود.

بنا به آمار سازمان بهداشت جهانی سالانه بین ۲۵۰ تا پانصد هزار نفر در دنیا به ضایعات نخاعی دچار می‌شوند. نود درصد این موارد بعلت ضربه یا آسیب‌هایی مثل سلاح گرم و سرد، تصادف یا افتادن از بلندی بوده است.

سه ماه بعد از این درمان بی‌سابقه، ماهیچه‌های ران چپ او در حال بزرگتر شدن هستند. اکنون بخشی از حس در ناحیه پایین زانو و بخشی از حرکت پا برگشته است و در حال حاضر بخشی از کارکرد روده و مثانه و همچنین کارکرد جنسی او برگشته است. او می‌تواند با واکر راه برود هر چند که زود از راه رفتن خسته می‌شود. آقای فیدیکا امیدوار است که روزی بتواند بدون کمک راه برود. آقای فیدیکا گفت که راه رفتن دوباره با کمک واکر، احساسی فوق‌العاده بوده است: "وقتی نیمی از بدنت را حس نمی‌کنی کاملاً درمانده هستی، اما وقتی حس دوباره شروع به برگشتن می‌کند، مثل این است که دوباره متولد شده‌ای".

پروفسور جفری ریزمن که سرپرست تیم تحقیقات دانشگاه لندن است موفقیت این درمان را "تاثیرگذارتر از راه رفتن بشر روی ماه" توصیف کرد.

با این حال تاکید کرد برای اینکه این روش، درمانی تازه برای مبتلایان به آسیب نخاعی تلقی شود باید تحقیقات بیشتری صورت گیرد و این روش برای افراد بیشتری به کار گرفته شود.



پروفسور ریزمن به بی‌بی‌سی گفت که شخصا فکر می‌کند راهی برای درمان فلج نخاعی پیدا شده است: "این کار دری را به تفکری تازه درباره ضایعات نخاعی باز کرده است. اما گذشتن از این هم کار عظیمی است".

"من فکر می‌کنم این آغازی برای ترمیم ضایعات نخاعی و ضایعات دیگری مثل بعضی از انواع سکته مغزی است".

"سیستم عصبی توانایی ترمیم خود را دارد، اما باید مسیری را ایجاد کرد که این سیستم بتواند ترمیم خود را انجام دهد".

"اما فارغ از اینکه نظر شخصی من چیست این موضوع باید ثابت شود و قدم اول انجام آن برای افراد دیگر است".

رشته‌های عصب بویایی

رشته‌های عصب بویایی تنها بخشی از دستگاه عصبی هستند که در تمام عمر ترمیم و بازسازی می‌شوند.

نورونهای بویایی در واقع تنها بخشی از دستگاه عصبی مرکزی هستند که به طور مستقیم با محیط اطراف در تماس هستند و با انواع مولکول‌هایی که در هوا و محیط پراکنده هستند تماس پیدا می‌کنند.

بنابراین این سلول‌ها مرتب آسیب می‌بینند و باید جایگزین شوند. این کار را سلول‌های غلاف پوشاننده سلول‌های عصبی بویایی (olfactory)



(lensheathing cells) انجام می‌دهند. این سلول‌ها در واقع اکسون نورون‌های بویایی را

می‌پوشانند.



بهترین منبع سلول‌های پوشاننده پیاز بویایی است. پیاز بویایی که در قسمت پایینی بخش جلویی مغز قرار دارد در واقع مسیری است که سلول‌های بویایی بینی پیام‌های عصبی مربوط به بو را به آن می‌فرستند و از آنجا این پیام عصبی به نواحی مختلف مغز منتقل می‌شود. پروفسور ریزمن که چهل سال بر روی ترمیم ضایعات نخاعی کار کرده پیش از این نشان داده بود که تزریق این سلول به نخاع موش‌های فلج در بهبود آنها موثر است. در سال ۲۰۰۵، یک جراح اعصاب لهستانی به نام دکتر پاول تاباکوف با پروفسور ریزمن تماس گرفت و گفت می‌خواهد روش او را در انسان به کار گیرد.

روش کار

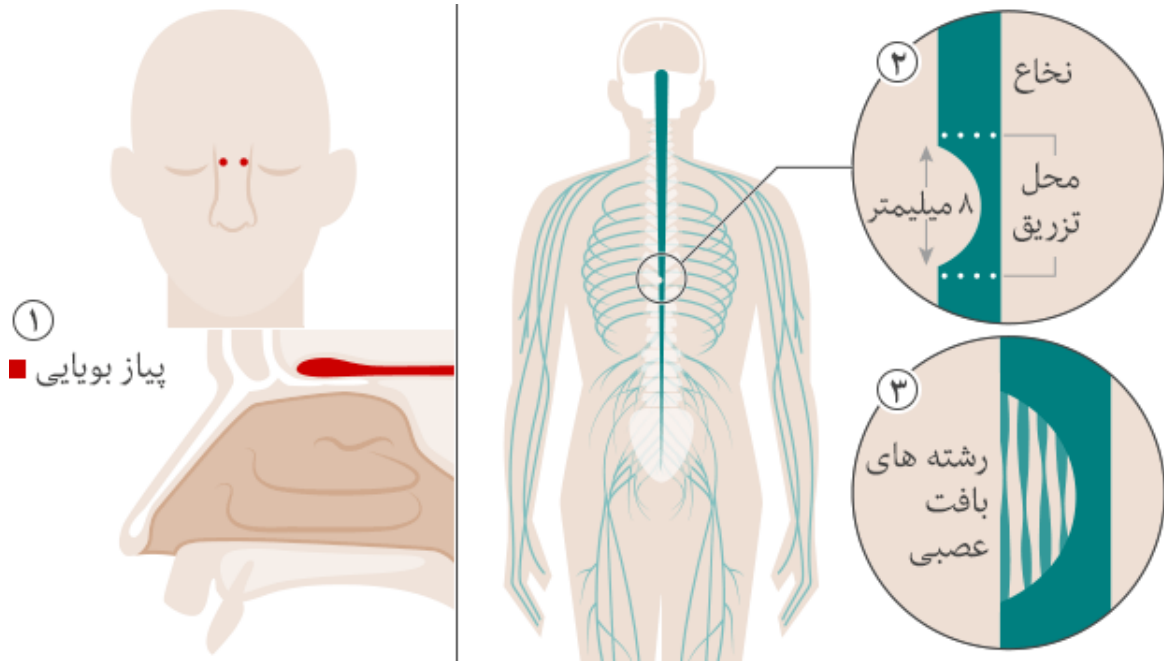
انتخاب آقای فیدیکا برای این کار به این دلیل بود که آسیب نخاعی او به علت چاقو بود بنابراین ضایعه کوچک و لبه‌های آن به هم نزدیک بود.

به همین دلیل است که دانشمندان نمی‌دانند در ضایعات وسیع‌تر که فاصله بین دو سر رشته‌های عصبی قطع شده بیشتر است آیا این روش موثر است یا نه.



اما پیش از هرکاری باید از بی‌خطر بودن این روش اطمینان حاصل می‌شد. بنابراین دکتر تاباکوف ابتدا این کار را بر روی سه بیمار مبتلا به ضایعه نخاعی انجام داد. هیچکدام از آنها بهبودی نشان ندادند اما هدف این بررسی محقق شد، معلوم شد این روش بی‌خطر است.

سپس در جراحی اول یکی از دو پیاز بویایی آقای فیدیکا برداشته شد. سلول‌های پیاز بویایی دو هفته در آزمایشگاه پرورش و تکثیر پیدا کردند و بعد در نخاع آقای فیدیکا تزریق شدند.



نخاع آقای فیدیکا به علت ضربات چاقو قطع شده بود و فقط رشته باریکی از بافت زخمگاهی در سمت راست نخاع، بالا و پایین محل ضایعه را به هم وصل می کرد. جراحان برای تزریق در نخاع، یک قطره سلول، یعنی حدود پانصد هزار سلول در اختیار داشتند.

آنها با صد تزریق ظریف در بالا و پایین ضایعه، این مقدار را در نخاع تزریق کردند. رشته های نازک بافت عصبی هم از مچ پای آقای فیدیکا برداشته شد و شکاف هشت میلیمتری ناشی از ضربات چاقو در سمت چپ نخاع، با آن پر شد. متخصصان معتقدند که سلول های پوشاننده راهی را فراهم کردند که رشته های عصبی بالا و پایین ضایعه بتوانند دوباره به هم متصل شوند، در واقع سلول های پیوندی، بالا و پایین ضایعه را مثل پلی به هم وصل کردند.



هزینه این جراحی بی سابقه را یک موسسه خیریه، بنیاد آسیب ها نخاعی نیکولز، پرداخته که بانی آن دیوید نیکولز است.

پسر آقای نیکولز در سال ۲۰۰۳ به علت آسیبی که در حین شنا در استخر به او وارد شد از کمر به پایین فلج شده است.

آقای نیکولز اکنون هم درصدد جمع آوری پول بیشتر برای ادامه تحقیقات است. قرار است این کار برای ده بیمار دیگر در لهستان و بریتانیا انجام شود، به شرط اینکه هزینه آن تامین شود.

## فریبا معصومی

در کنج روستای صالح سرا شولم در خانه‌ای قدیمی که هنوز بوی گاه گل می‌دهد دختری زندگی می‌کند به نام فریبا معصومی که رنگ زندگی برای او با همه فرق می‌کند. انسانها معمولا تا چیزی را که دارند از دست ندهند پی به ارزش آن نمی‌برند و قدر نعمت‌هایی را که دارند نمی‌دانند و تا مصیبتی وارد نشود قدر لحظات زندگی را نخواهند دانست. گاهی چنان غرق در نعمت، راحتی و آسودگی‌اند که با بی‌خیالی به جای شکر از خدا گله‌مند و شاکی‌اند. گاه در زندگی با افراد و مسائلی برخورد می‌کنیم که تلنگری برای تغییر مسیر زندگی است و شاید آئینه‌ای باشند که ناخواسته برسرراه افراد قرار می‌گیرد تا تصویر خود و زندگی در آن روشن دیده شود. در زیر این آسمان کبود برای رفتن به آنجا باید از مسیر سخت و خاکی گذشت دختری زندگی می‌کند که رنگ زندگی برای او با همه فرق می‌کند، در دستان نحیف فریبا معصومی ۲۷ ساله و با ۷۰ سانت قد و ۱۵ کیلو وزن دنیایی از هنر را می‌توان سراغ گرفت.



MEHR

Photo: Abuzar Bazri

MEHR NEWS AGENCY



MEHR

مادر فریب در حال دوشاب پزی از میوه درخت "اربا" (خرمالوی جنگلی)



MEHR

Photo:Abuzar Bazri

MEHR NEWS AGENCY



MEHR

Photo:Abuzar Bazri

MEHR NEWS AGENCY



MEHR

Photo:Abuzar Bazri

MEHR NEWS AGENCY



MEHR

Photo:Abuzar Bazri

MEHR NEWS AGENCY





MEHR

Photo: Abuzar Bazri

MEHR NEWS AGENCY



MEHR

Photo: Abuzar Bazri

MEHR NEWS AGENCY



MEHR

Photo: Abuzar Bazri

MEHR NEWS AGENCY



MEHR

Photo: Abuzar Bazri

MEHR NEWS AGENCY

## فرزانه پارسایی



MEHR

Photo:Asghar Khamseh

MEHR NEWS AGENCY

فرزانه پارسایی متولد ۱۳۴۸ تهران در سال ۷۲ فصل جدیدی در زندگی وی شروع شد. معلویت او در حادثه بزرگراه تهران - قم، که با از دست دادن مادر همراه بود شروع شد. پس از آن با توکل و همت، معلولیتش محدودیت او نشد. با یاری خدا در زمینه تحصیل و اشتغال و ورزش موفق به کسب درجات خوبی شد و ۱۷ سال در کنار دانش آموزان استثنایی جسمی - حرکتی کم توان ذهنی و نابینا زندگی می کند. وی می گوید با نگاهی به روزهای پشت سر در یک کلام "خدا با من است"



MEHR

Photo:Asghar Khamseh

MEHR NEWS AGENCY



MEHR

Photo:Asghar Khamseh

MEHR NEWS AGENCY



MEHR

Photo:Asghar Khamseh

MEHR NEWS AGENCY



MEHR

Photo:Asghar Khamseh

MEHR NEWS AGENCY



MEHR

Photo:Asghar Khamseh

MEHR NEWS AGENCY



MEHR

Photo:Asghar Khamseh

MEHR NEWS AGENCY



MEHR

Photo:Asghar Khamseh

MEHR NEWS AGENCY



MEHR

Photo:Asghar Khamseh

MEHR NEWS AGENCY



MEHR

Photo:Asghar Khamseh

MEHR NEWS AGENCY



MEHR

Photo:Asghar Khamseh

MEHR NEWS AGENCY





MEHR

Photo:Asghar Khamseh

MEHR NEWS AGENCY



MEHR

Photo:Asghar Khamseh

MEHR NEWS AGENCY



MEHR

Photo:Asghar Khamseh

MEHR NEWS AGENCY



MEHR

Photo:Asghar Khamseh

MEHR NEWS AGENCY



MEHR

Photo: Asghar Khamseh

MEHR NEWS AGENCY



MEHR

Photo: Asghar Khamseh

MEHR NEWS AGENCY



MEHR

Photo:Asghar Khamseh

 MEHR NEWS AGENCY



MEHR

Photo:Asghar Khamseh

 MEHR NEWS AGENCY



MEHR

Photo:Asghar Khamseh

MEHR NEWS AGENCY



MEHR


Photo:Asghar Khamseh

MEHR NEWS AGENCY



MEHR

Photo:Asghar Khamseh

 MEHR NEWS AGENCY



MEHR

Photo:Asghar Khamseh

 MEHR NEWS AGENCY



MEHR

Photo:Asghar Khamseh

MEHR NEWS AGENCY



MEHR

Photo:Asghar Khamseh

MEHR NEWS AGENCY



**MEHR**

Photo: Asghar Khamseh

 **MEHR NEWS AGENCY**



**MEHR**

Photo: Asghar Khamseh

 **MEHR NEWS AGENCY**





MEHR

Photo:Asghar Khamseh

MEHR NEWS AGENCY



MEHR

Photo:Asghar Khamseh

MEHR NEWS AGENCY



MEHR

Photo:Asghar Khamseh

MEHR NEWS AGENCY



MEHR

Photo:Asghar Khamseh

MEHR NEWS AGENCY



MEHR

Photo:Asghar Khamseh

MEHR NEWS AGENCY



MEHR

Photo:Asghar Khamseh

MEHR NEWS AGENCY



MEHR

Photo: Asghar Khamseh

MEHR NEWS AGENCY



MEHR

Photo: Asghar Khamseh

MEHR NEWS AGENCY

منبع: معلولیت بدون محدودیت، خبرگزاری مهر ۱۳۹۳/۱/۳۱؛ وب سایت شمعدانی

## کودکان معلول ، سازگاری با زندگی را یاد می گیرند

سمانه پرموز



کودکانی که نابینا هستند، اگرچه نمی توانند با کمک چشمهایشان زمان مناسب برای عبور از خیابان را تعیین کنند، اما می توانند با کمک گوشهایشان صداهای مربوط به حرکت چرخهای خودروها را بشنوند و با بینی شان بوی بنزین و گازوئیل را تشخیص دهند.

کودکان معلول نیز همانند سایر انسان ها رشد می کنند اگر والدین یا اطرافیان تنها به معلولیت آنها توجه کنند و فقط درباره ناتوانی های آنها به جمع آوری اطلاعات بپردازند و قابلیت هایشان را از نظر دور کنند ، مرتکب اشتباه بزرگی شده اند. تقریباً همه کودکان معلول می آموزند که چگونه خود را با زندگی سازگار کنند ، مهم این است که خانواده و

جامعه پذیرای آنان باشند و آنان را باور کنند. وقتی شما از عرض خیابان عبور می کنید ، از چشمهایتان کمک می گیرید و در زمان مناسب ، عرض خیابان را طی می کنید. کودکانی که نابینا هستند ، اگرچه نمی توانند با کمک چشمهایشان زمان مناسب برای عبور از خیابان را تعیین کنند، اما می توانند با کمک گوشهایشان صداهای مربوط به حرکت چرخهای خودروها را بشنوند و با بینی شان بوی بنزین و گازوئیل را تشخیص دهند.

حسهای شنوایی و پویایی زمان مناسب برای عبور از خیابان را برای آنها تعیین می کند افزون بر این ، آنها می توانند از عصا استفاده کنند نمونه های زیادی از کارهای جبرانی کودکان معلول وجود دارد. آنهایی که ناشنوا هستند از طریق لب خوانی و گفتگو از طریق زبان اشاره با دیگران ارتباط برقرار می کنند مشاهده این رفتار در ابتدا ممکن است تعجب برانگیز باشد. بعضی از کودکان معلول از تجهیزات خاص یا ابزارهای متفاوتی استفاده می کنند تا بتوانند راه بروند ، حرف بزنند و مانند سایر کودکان زندگی کنند.

انواع معلولیت های کودکان معلولیت در کودکان به دسته های مختلف تقسیم می شود که عبارتند از: اختلال در یادگیری ، معلولیت های حسی ، اختلال در بینایی ، اختلال در شنوایی ، معلولیت های جسمی که خود شامل معلولیت های بافت عضلانی عصبی (ارتوپدی ) و معلولیت های بافت عصبی می شود و معلولیت های ذهنی که به بررسی آنها می پردازیم.

### ۱) اختلال در یادگیری :

یکی از انواع معلولیت در کودکان اختلال در یادگیری است مشکل اصلی این کودکان دریافت پیامهایی است که به مغز می رسد. آنها پیامها را به طور منظم و عمیق دریافت نمی کنند. بنابراین فراگیری چند موضوع برای آنها دشوار است از جمله خواندن ریاضیات ، هجی کردن و نوشتن. این کودکان کندذهن نیستند بلکه از سطح هوش معمولی یا حتی بیشتر از آن برخوردارند. محمد حجاران ، کارشناس ارشد روان شناسی در این رابطه می گوید: زبان ، نظامی پویا و متشکل از علایم و نمادهاست که به عنوان ابزار اجتماعی برای برقراری ارتباط

با انسان و اشیا، تغییر جهان پیرامون ، خودشناسی و تکامل بخشیدن خود، کاربرد دارد. زبان در تفکر و مفهوم سازی نقش عمده ای ایفا می کند و چنانچه این نقش دچار اختلال شود، فرآیند تفکر و در نتیجه نظم بخشی به فرآیندهای عالی ذهنی (مانند توجه ارادی ، حافظه منطقی ، حل مساله) با مانع روبه رو می شود پژوهش ها نشان داده اند که ناتوانی یادگیری در بیشتر موارد به واسطه اختلال رشد زبان و گفتار شناخته می شود.

## (۲) معلولیت های حسی:

معلولیت های حسی در کودکان دو نوع است : اختلال در بینایی و اختلال در شنوایی میزان اختلال در بینایی در کودکان متفاوت است. ممکن است کودکی بتواند نور و سایه ها را تشخیص دهد. بعضی دیگر در حد نسبی دچار اختلال در بینایی هستند زیرا در دید دور یا نزدیک با مشکل روبه رو می شوند. کودکانی که از نظر بینایی مشکل دارند، در انجام فعالیت ها بی دقت هستند به ویژه زمانی که لازم باشد چشمها و دستها را همزمان به حرکت در بیاورند مثلا درست کردن پازل. امروزه با توجه به این که قبل از ورود به مدرسه تمام کودکان مورد تست بینایی و شنوایی قرار می گیرند چنانچه حتی اگر تا آن زمان این اختلال کودک کشف نشده باشد، مشخص می شود تا خانواده هم مطابق با مقدار اختلال بینایی مورد درمان قرار گیرد؛ اما در زمینه اختلالات شنوایی با دو اصطلاح «ناشنوا» و «کم شنوا» برخورد می کنیم. افرادی که ناشنوا متولد می شوند یا در سنین پس از تولد شنوایی خود را از دست می دهند، نمی توانند از طریق سخن گفتن با دیگران ارتباط برقرار کنند. اغلب آنها نمی توانند سخن بگویند زیرا اصوات را نمی شنوند.

طبق آمار سازمان بهداشت جهانی ، امروزه آسیب شنوایی یکی از نواقص مادرزادی در امریکا محسوب می شود و از هر ۱۰۰۰ کودک ، ۳ نفر آنها یا ناشنوا هستند یا دچار آسیبهای شنوایی شده اند. چیزی که به همان اندازه باعث ناراحتی می شود، عدم تشخیص صحیح و بموقع است. محمدرضا منصوریان ، کارشناس ارشد روان شناسی ، در این باره می گوید:

اختلالات شنوایی بعد از سالمندان در کودکان شیوع بیشتری دارد که عمدتاً به علت اوتیت گوش میانی است که در کودکی شروع می‌شود و تا سن بلوغ ادامه می‌یابد و می‌تواند باعث کم‌شنوایی دائمی شود. او توجه به سلامت شنوایی قبل از سن مدرسه و در جریان یادگیری درس را مهم دانسته و می‌افزاید: اختلالات شنوایی در مرحله اول مشکل رشد گویایی و بلوغ فکری و در مرحله دوم آشفته‌گی‌های یادگیری را به دنبال خواهد داشت.

### ۳) معلولیت‌های جسمی (معلولان بافت عضلانی عصبی (ارتوپدی) و معلولان بافت عصبی).

معلولان بافت عضلانی عصبی :

توانایی‌های کودکان معلول بافت عضلانی عصبی متفاوت است و ممکن است برای جبران نواقص موجود از ابزارها و وسایلی کمک بگیرند مثل صندلی چرخدار. فعالیت‌هایی که برای این کودکان طراحی می‌شود، باید با توانایی‌ها و نیازهای آنها تناسب داشته باشد. معلولیت بافت عصبی: زمانی که در سیستم اعصاب مرکزی مشکلی وجود داشته باشد، معلولیت بافت عصبی بروز می‌کند. سیستم اعصاب مرکزی بخشی از مغز است.

پیامهای متعددی از مغز به اندامهای بدن ارسال می‌شود و به آنها فرمان می‌دهد که چه وقت و چگونه حرکت کنند. در مواردی چون فلج مغزی ارسال پیام به اندام‌ها کامل نیست و در نتیجه پاهای کودک یا حتی دستهایش نمی‌توانند حرکت کنند. نوع فلج مغزی که کودک را مبتلا ساخته، بستگی دارد به میزان آسیب دیدگی مغز. بعضی از آنها می‌توانند راه بروند، عده‌ای می‌توانند از عصا کمک بگیرند و برخی ناچارند از صندلی چرخ‌دار استفاده کنند. ممکن است همراه با فلج مغزی ناتوانی‌های دیگری نیز وجود داشته باشد؛ از جمله اختلال در شنوایی و بینایی، اختلالات گفتاری، اختلال در یادگیری و مشکلات روانی و عاطفی. فلج مغزی تنها فرد مبتلا را درگیر می‌کند و قابل سرایت به دیگران نیست. کودک کند ذهن، با کندی فرا می‌گیرد و از معلولیت ذهنیتوانایی‌های جسمی و هوشی



سایر کودکان برخوردار نیست. حتی ممکن است به محدودیت های جسمی نیز مبتلا باشد. اختلال در شنوایی و بینایی و سخن گفتن نیز ممکن است وجود داشته باشد. کودکان کندذهن به شیوه ای که شما فرا می گیرید ، یاد می گیرند ، اما در مدت زمانی بسیار طولانی تر از شما ، برخی از آنها نمی توانند از خودشان مراقبت کنند. امروزه معلولیت در تمام سطوح آن با آموزش مناسب قابل تعدیل است ، به طوری که کودک معلول قادر به چرخاندن زندگی خود است. بنابراین شایسته است که با مراقبت های اولیه مثل آزمایشات قبل از ازدواج ، مراقبت های دوران بارداری و مراقبت های پس از تولد در درجه اول بتوانیم از تولد و یا بروز معلولیت در کودک جلوگیری کنیم و چنانچه با وجود همه مراقبت ها معلولیت ایجاد شد، کودک معلول با آموزش های مناسب بتواند یک زندگی معمولی بدون کمک کسی داشته باشد.

<http://www.beytoote.com>

## اراده ای قوی جهت مقابله با معلولیت



فیلیپ کرویزون (Philippe Croizon) که ۴۲ سال دارد از چهار ناحیه دست و پا ها قطع عضو است. او اولین نفری است که در این سطح از معلولیت توانسته مسیر ۲۲ مایلی بین فرانسه وانگلیس را شنا کند. این مرد فرانسوی ۱۶ سال پیش زمانی که در حال درست کردن آنتن تلویزیون بود با تخلیه الکتریکی برق زیاد روبرو شد و مناطق سوختگی بدن او به حدی بود که دکتر ها به ناچار تصمیم به قطع هر دو دست و پایش گرفتند.

پس از پخش مستندی درباره شناگرانی که این مسیر را شنا کرده اند ، او نیز تصمیم گرفت شانس خود را امتحان کند. او از لباس مخصوصی که برای او تهیه شده بود استفاده کرد. نیکولاس سارکوزی رئیس جمهوری فرانسه نیز شخصا سرنوشت خوبی را برای او آرزو کرد. این شناگر پس از خروج از بریتانیا در ساعت ۷ صبح ، در حدود ساعت ۹ شب به فرانسه رسید و به این ترتیب از آنچه پیش بینی کرده بود زودتر به مقصد رسید.





Hosted on **TopNop**.IR

TopNop.ir



Hosted on **TopNop**.IR

TopNop.ir















Top Nop  
Hosted on .IR

TopNop.ir



Top Nop  
Hosted on .IR

TopNop.ir





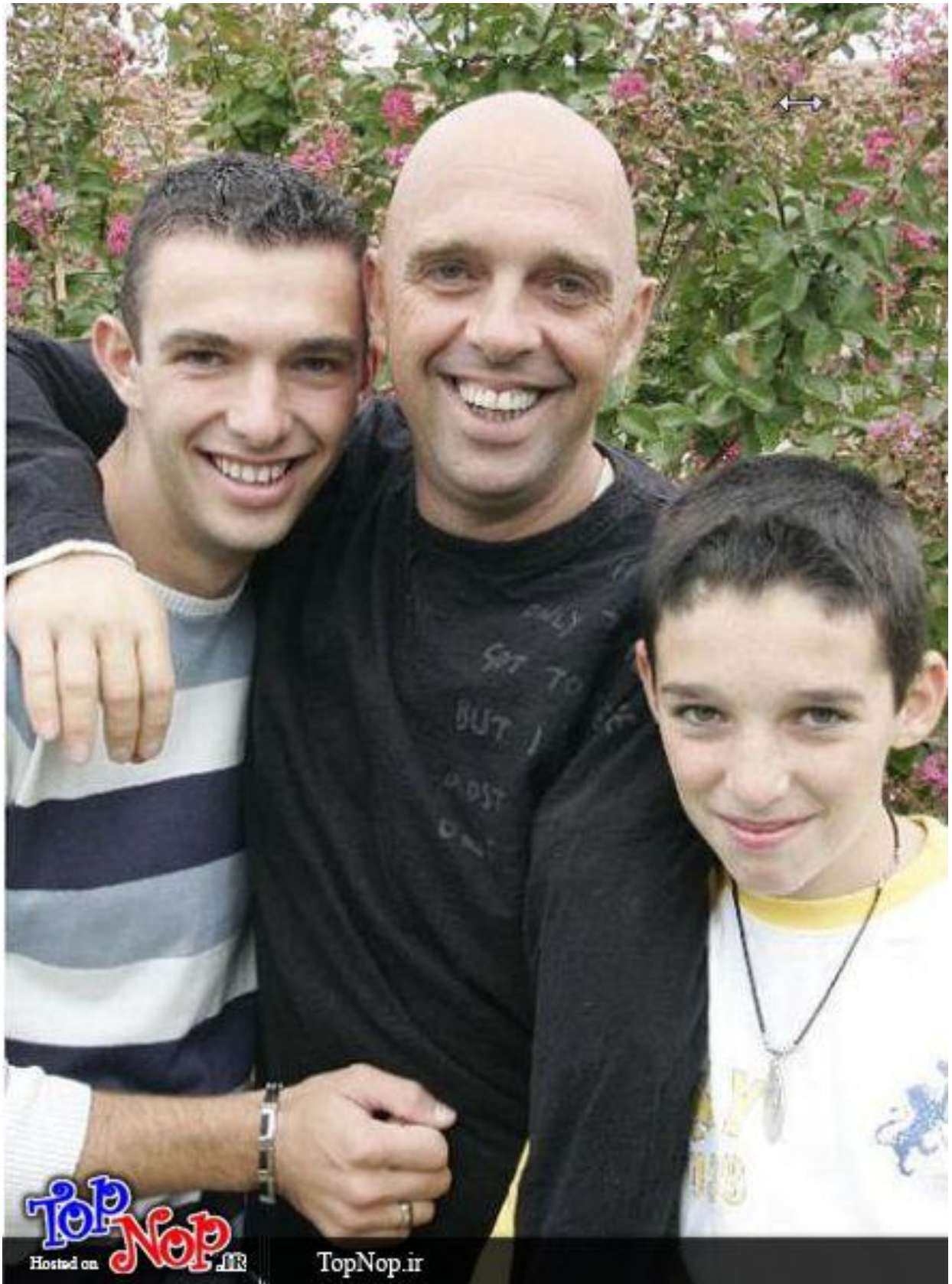
Hosted on **TopNop.ir**

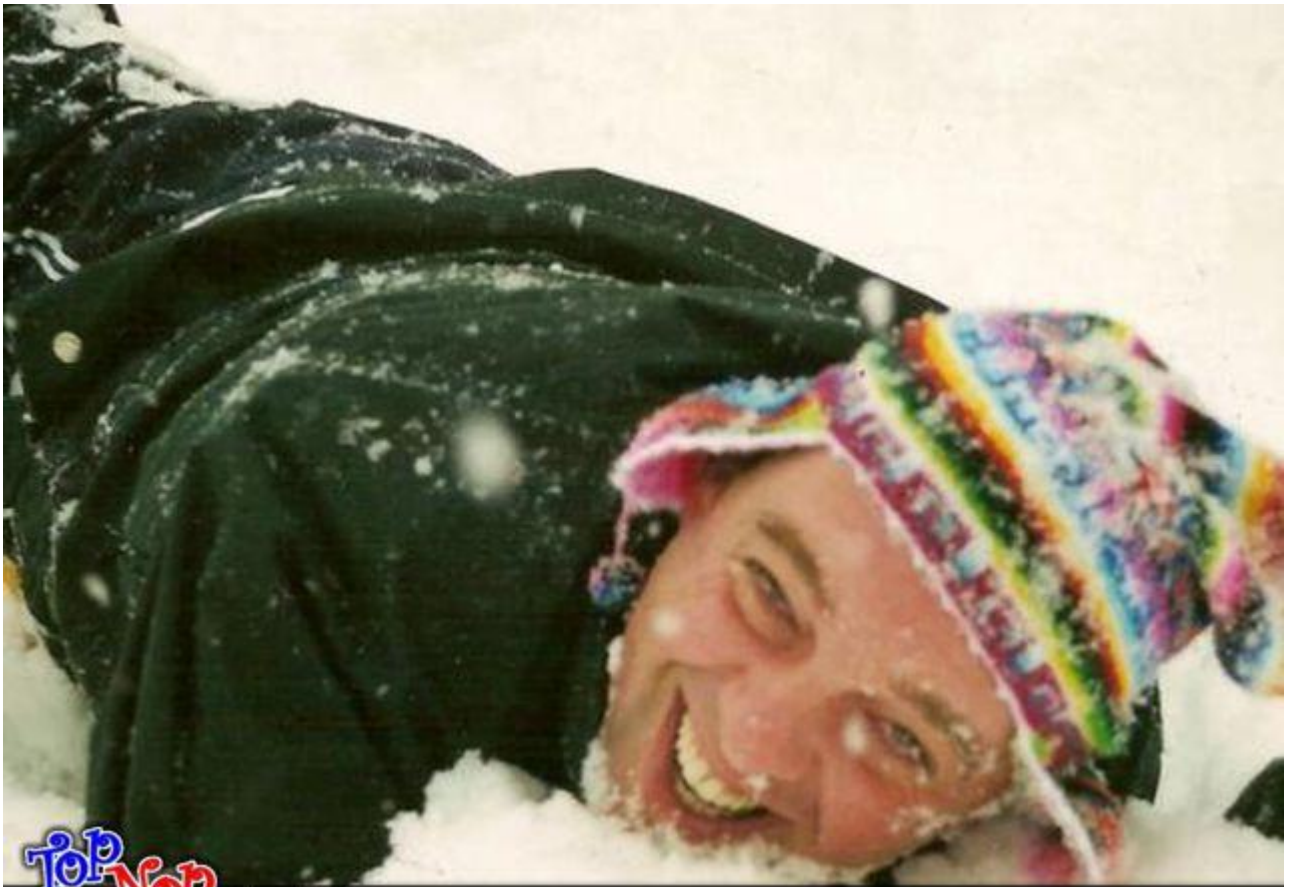
TopNop.ir



Hosted on **TopNop.ir**

TopNop.ir





Hosted on **TopNop**.IR

TopNop.ir



Hosted on **TopNop**.IR

TopNop.ir



## اخراج تنها نایب‌نای نهاد ریاست جمهوری

کد خبر: ۳۷۳۵۴۴

تاریخ انتشار: ۰۴ بهمن ۱۳۹۲ - ۱۶:۵۶ 24 January 2014

رئیس فراکسیون حمایت از معلولان مجلس، با انتقاد از عملکرد برخی نهادهای زیرمجموعه ریاست جمهوری در رابطه با حمایت از معلولان، گفت: طی هفته گذشته تنها نایب‌نای نهاد ریاست جمهوری که به شغل اپراتوری در این سازمان مشغول بود از کار برکنار شد.

**فاطمه آلیا** در گفت و گو با خبرگزاری خانه ملت، عملکرد برخی نهادهای زیرمجموعه ریاست جمهوری خلاف شعارهای انتخاباتی رئیس جمهور خواند و توضیح داد: شغل اپراتوری در سازمان‌های دولتی به صورت انحصاری در اختیار نایب‌نایان است، اما متأسفانه هفته گذشته شاهد اخراج تنها نایب‌نای شاغل در نهاد ریاست جمهوری بودیم.

نماینده مرد تهران، ری، شمیرانات و اسلامشهر در مجلس شورای اسلامی، تصریح کرد: دکتر روحانی تنها نامزد انتخابات ریاست جمهوری بود که در شعارهای انتخاباتی خود حمایت از معلولان را در اولویت قرار داده بود اما متأسفانه به تازگی شاهد عملکردی خلاف آنچه بیان شده از جانب نهادهای زیرمجموعه ریاست جمهوری بودیم.



وی افزود: از طرف دیگر همواره شاهد استقبال رئیس‌جمهور از نقد منصفانه بوده‌ایم اما در کمال ناپاوری خبرنگار ناپینای نشریه ایران سپید به خاطر انتقادات خود از کار برکنار شد که بررسی این موضوعات نیازمند رصد عملکرد نهادهای زیرمجموعه ریاست جمهوری از طرف شخص رئیس‌جمهور است.

این نماینده مردم در مجلس نهم، تأکید کرد: طبق قانون باید ۳ درصد از کارکنان هر سازمان دولتی از اقلیت معلولان انتخاب شوند و انتظار این است که اگر استخدام جدیدی از معلولان به عمل نمی‌آید از شمار شاغلان نیز کاسته نشود.

رئیس فراکسیون حمایت از معلولان مجلس شورای اسلامی، با بیان اینکه بحث حمایت از معلولان نوعی فرهنگ است، ادامه داد: باید به حمایت از معلولان به‌عنوان یک وظیفه انسانی نگاه کرد نه یک شعار تبلیغاتی، حمایت از معلولان تاریخ مصرف تبلیغاتی ندارد و نباید از معلولان استفاده ابزاری کرد.

<http://www.tabnak.ir/fa/news/373544/> اخراج-تنها-ناپینای-نهاد-ریاست‌جمهوری

## نمایش توانمندیهای زوج معلول اصفهانی

معلولیت مانعی برای بروز توانمندیها نیست...

به گزارش خبرنگاران جوان جامعه معلولین ایران شعبه اصفهان نمایشگاه بین المللی مبلمان و دکوراسیون داخلی و صنایع دستی در تاریخ ۲۹ مرداد، لغایت اول شهریور ماه ۹۳ به مدت چهار روز در اصفهان برقرار بود. زوج هنرمند معلول اصفهانی با حضور در این نمایشگاه بار دیگر توانمندیهای معلولان را به معرض دید عموم قرار دادند.

**خانواده بهشتی** باهمیاری یکدیگر و با وجود تمام مشکلات پیش روی هر خانواده معلول، به فعالیت های هنری خود می پردازند. در این گزارش ، عزم راسخ این زوج معلول برای استقلال هر چه بیشتر در مسیر زندگی ستودنی است.

نمایش توانمندیهای معلولین علاوه بر اینکه میتواند احساس خودباوری و عزت نفس را در معلولین افزایش دهد، باعث تغییر ذهنیت عامه مردم نسبت به معلولین خواهد شد. حقیقت این است که معلولین نه تنها "سربار جامعه" محسوب نمی شوند ، بلکه با برنامه ریزی ، آموزش و زمینه سازی برای کسب و کار می توانند به رونق فعالیت های اقتصادی کمک کنند.

امیدواریم که در آینده ای نزدیک، مسئولین و سایرین به این عزیزان به صورت یک شهروند اجتماعی اهمیت دهند و شرایط لازم برای حضور بیشتر آنها در اجتماع را فراهم نمایند.







<http://www.esfahanhandicap.ir/news.php?readmore=329>

## گفتگو با شادی جهان پناه و ثنا باقری



به مناسبت بزرگداشت ۱۳ آبان و روز دانش آموز ، گفتگویی را با شادی جهان پناه یکی از دانش آموزان موفق در هیئت ورزشهای جانبازان و معلولین استان فارس انجام داده ایم که با هم می خوانیم :

شادی جهان پناه یازده ساله کلاس پنجم دبستان تلاش ، با مشکل مادرزادی جسمی (آرتروگرایپوز) از ناحیه کمر به پایین می باشد . او سال سوم دبستان برای طرح صبا (شنای آموزشی مدارس) به استخر حجاب رفت اما بدلیل مشکل جسمی که از ناحیه کمر به پایین داشت ، مربیان شنا او را از این کار منع کردند . و به مادرش گفتند که شادی نمی تواند با سایر بچه ها شنا کند و این مساله او و مادرش را خیلی ناراحت کرد . اما مایوس نشد و به

دلیل علاقه خیلی زیادی که به ورزش داشت از مادرش خواست به هر نحوی که شده او را در یکی از رشته های ورزشی ثبت نام کند . مادرش هم خیلی پرس و جو کرد و بالاخره از طریق یکی از دوستان به نام سرکار خانم قلندرپور از قهرمانان ملی به باشگاه یادگار امام (ره) دعوت شد . شادی با ذوق و شوق فراوان به باشگاه رفت و در رشته شنا مشغول به فعالیت شد و علیرغم مشکلات زیاد جا نزد و با سعی و تلاش فراوان توانست عضو تیم شنا و بدمینتون شود.

او هدف خود از ورزش کردن را راهیابی به مسابقات پارالمپیک و کسب مدال طلای بزرگترین مسابقات معلولین جهان می داند . شادی آروز دارد همیشه خدا را از خود راضی نگه دارد ، در درسهایش موفق باشد و در ورزش به مقام های جهانی دست پیدا کند تا برای کشورش مثر مثر باشد و زحمات پدر و مادر را جبران کند .

و اما توصیه شادی برای هم سن و سالان خودش :

اگر معلول هستید نباید خودتان را از ورزش هایی که می توانید انجام دهید محروم کنید . خیلی از انسانها سالم هستند و موفق نیستند . کسی که فکرش زیباست معلول نیست پس ما نباید خود را کمتر از انسانهای سالم بدانیم مطمئناً خدا ما را دوست داشته که برای این مشکل بزرگ انتخاب شده ایم . پس اگر خدای مهربان یک توانایی را از ما گرفته در عوض توانایی و استعداد های دیگری به ما داده است . و ما باید خودمان آن را پیدا کنیم . و با سعی و تلاش آن را پرورش بدهیم . بیایید دست به دست هم بدهیم و به همه ثابت کنیم ما ایرانی ها شجاع هستیم و با وجود مشکلات جسمی می توانیم بهترین ها باشیم . انسانهای خاص هستند که کارهای خاص می کنند .

شادی جهان پناه در پایان از زحمات آقای دلشاد رئیس هیئت ورزشهای جانبازان و معلولین استان فارس و خانم ها دستغیب نایب رئیس هیئت ورزشهای جانبازان و معلولین ، نیک پی و بی طرف مریبان شنا ، دلشاد مدیر استخر یادگار امام (ره) تشکر و قدردانی کرد.

اکنون گفتگو با **ثنا باقری** دیگر دانش آموز معلول موفق

ثنا باقری ۱۲ ساله و مشغول به تحصیل در کلاس ششم ابتدایی . ثنا دوست دارد قبل از هر چیز بگوید که معلولیت محدودیتی برای من ندارد . زیرا من در وجود خود انگیزه ، همت و تلاش وصف نشدنی می بینم و با شرایط جسمی که دارم قادر به انجام هر کار خوبی که باعث پیشرفت ، موفقیت و سربلندی خود و سرزمینم باشد ، هستم .

او ادامه داد : در چند سال گذشته شرکت در عرصه ورزشی برای من که از ناحیه پای راست دچار نقص عضو مادرزادی هستم یک رویای دست نیافتنی بود . چون اعتماد به نفس کافی نداشتم و فکر نمی کردم محیطی برای ورزش کردن افرادی مانند من وجود داشته باشد . تا اینکه اطلاع پیدا کردم که من هم می توانم در زمینه ورزشی فعالیت داشته باشم . و همه این انگیزه ، اعتماد به نفس و هدف را مدیون لطف و همکاری سرکار خانم دستغیب هستم . این شد که با عشق و علاقه ، اعتماد به نفس و انگیزه بعد از امتحانات کلاس چهارم ، آموزش ثنا را شروع کردم و چنان علاقه ای وصف نشدنی در من به وجود آمد . البته این جمله خواستن توانستن است همیشه سرلوحه فکر و انگیزه من است . هم در زمینه تحصیل و هم ورزش .

ثنا هدف خود را برای ادامه فعالیت های ورزشی رسیدن به موفقیت های بزرگ و پیمودن قله های بلند پیروزی و افتخار برای کشورش و خانواده می داند . او اطمینان دارد هر آرزوی خوبی که انسان داشته باشد ، برای بدست آوردنش تلاش و همت کند ، بدون شک به آن خواهد رسید .

ثنا به هم سن و سالان و دوستان معلول خود که شبیه او هستند و یا مشکلاتی بیشتر از او دارند می گوید که همه ما می توانیم بهترین باشیم . اعتماد به نفسی را که در وجودتان نهفته است آشکار کنید . این را بدانید که خداوند مهربان همیشه و در همه جا در کنار ماست با تکیه به لطف و مرحمت خدای بزرگ ، در همه ابعاد زندگی موفق باشیم .

[http://www.fdsport.ir/index.php?option=com\\_content&view=article&id=249:1392-08-14-10-38-35&catid=1:latest-news&Itemid=50](http://www.fdsport.ir/index.php?option=com_content&view=article&id=249:1392-08-14-10-38-35&catid=1:latest-news&Itemid=50)



## تهران شهر معلولان نیست!



### تزیینی

شفقنا- بر اساس آمار انجمن دفاع از حقوق معلولان، ماهانہ ۳۳۰۰ نفر در ایران معلول می‌شوند؛ این رقم به معنای معلول شدن ۱۱۰ نفر فرد سالم در یک روز است. این یعنی حادثه از هیچ کس دور نیست پس از همین امروز به فکر شهروندان معلولی باشیم که شهر ما نه تنها آماده حضور فعال آنها در جامعه نیست بلکه با نگاهی به امکانات شهری می‌توان دریافت که تهران شهر معلولان نیست! چه رسد به شهرستان‌ها. راستی چرا معلولان در پرداخت مالیات با دیگر افراد جامعه یکسان هستند اما در زمان بهره برداری از امکانات و خدمات عمومی، حقوق شهروندی آنها آشکارا نادیده گرفته می‌شود؟ چرا در حالی که به

دلیل عدم مناسب سازی، استفاده از وسایل نقلیه عمومی از جمله اتوبوس و مترو برای بیشتر معلولان امکانپذیر نیست اما در راستای ژست حمایت از این شهروندان، بلیت هایی با تخفیف ویژه معلولان ارائه می دهیم؟

ترانه میلادی، دبیر کل کانون معلولان شهر تهران به خبرنگار شفقنا می گوید: اولویت مشکلات شهروندان دارای معلولیت موضوع رفت و آمد در شهر، عدم مناسب سازی فضاهای شهری و امکانات عمومی و عدم دسترسی به امکانات ویژه این افراد است تا بتوانند مانند دیگر شهروندان از خدمات اجتماعی بهره مند شوند. به نوعی مشکل اشتغال، تحصیل، ازدواج و موارد دیگر با برطرف شدن این سه اولویت خود به خود مرتفع خواهد شد زیرا به طور مثال یکی از مشکلات دوستان برای اشتغال این است که به دلیل وجود پله، نبود آسانسور، عدم مناسب سازی پیاده رو ها و خیابان ها و... نمی توانند در محیط های کار حضور به هم رسانند. علاوه بر آن بسیاری از پیمانکاران نیز در زمان انتخاب نیروی کار، ظاهر افراد را ملاک قرار می دهند و معمولاً بدون در نظر گرفتن میزان تخصص، فرد سلامت را انتخاب می کنند چون فکر می کنند برای آنها مفیدتر واقع می شود.

تردد شهری یکی از معضلات اصلی معلولان است

فرزانه پارسایی هم که مانند ترانه از افراد دارای معلولیتی است و ویلچر یکی از نزدیکان او محسوب می شود، همین اعتقاد را دارد و تاکید می کند که تردد و رفت و آمد در شهر یکی بزرگترین مشکلات بچه هاست. اگرچه فرزانه با تاکید می گوید: اشتغال برای این بچه ها از همه چیز مهم تر است چون وقتی کار داشته باشند، ۷۰ درصد مشکلات آنها حل می شود. او که تحصیلات دانشگاهی خود تا مقطع کارشناسی ارشد را در دوران معلولیتش کسب کرده است، می گوید: در آن زمان با دانشگاه مشکلی نداشتم چون هر دو آنها مناسب سازی شده بودند؛ فقط فکر سرویس بهداشتی مناسب افراد دارای معلولیت را نکرده بودند.

فرزانه پارسایی که در تلاش است اقدامات صورت گرفته از طرف مسوولان را هم از قلم نیندازد، از ون های ویژه معلولان می گوید که شهرداری در برخی مناطق تهران و به طور محدود مستقر کرده است اما نمی داند این سیستم جدید تا کی دوام خواهد داشت و تا چه وسعتی توسعه خواهد یافت چون در طول بیست سال معلولیت او بارها این اتفاق افتاده و پس از مدتی فراموش شده است.

او در انتقاد از هزینه های بالای ایاب و ذهاب این افراد به شفقتنا می گوید: معلولان برای رفت و آمد اگر بتوانند باید آژانس بگیرند و اگر کنار خیابان منتظر ماشین بایستند هم حتما باید با گفتن «دربست» ماشین را نگه دارند و گرنه ماشینی نمی ایستد.

موارد یاد شده در حالی مشاهده می شود که در ماده دوم قانون حمایت از حقوق معلولان و آیین نامه های اجرایی مصوب، کلیه وزارتخانه ها، سازمان ها و موسسات و شرکت های دولتی و نهادهای عمومی و انقلابی موظفند در طراحی، تولید و احداث ساختمان ها و اماکن عمومی و معابر و وسایل خدماتی به نحوی عمل نمایند که امکان دسترسی و بهره مندی از آنها برای معلولان همچون افراد عادی فراهم گردد.

### حبس خانگی معلولان!

یوسف از فعالان حوزه رسانه است. او خود از کسانی است که با مشکل حرکتی رو به روست و با نقد جدی وضعیت موجود، می گوید: خود مسوولان هم می دانند ما چه رنجی در شهر، خیابان و استفاده از وسایل نقلیه و ... می کشیم. او با تاکید بر مطلوب نبودن شرایط فعلی به شفقتنا می گوید: بزرگترین معضل فعلی بچه های معلول، عواملی است که باعث ماندگاری آنها در خانه می شود. به طور مثال امکاناتی که در شهر وجود ندارد و نگاهی که جامعه به آنها دارد از این گونه عوامل هستند. بعضی مردم از آنها فرار می کنند یا با دلسوزی و واکنش های اینچنینی آنها را مجبور به خانه نشینی می کنند. این عوامل موجب

شده است بسیاری از معلولان در خانه ها حبس شوند. کسی را می شناختم که شش ماه تمام از اتاق خود بیرون نیامده بود.

به گزارش شفقتا، براساس آمار سازمان بهداشت جهانی، ۱۵ درصد از افراد هر جامعه معلول هستند که در ایران این آمار به بیش از ۱۱ میلیون نفر می رسد، که سه درصد از این افراد دارای معلولیت های بسیار شدید هستند. این تعداد شهروند جامعه نیازمندند حقوقشان فراتر از رفع تکلیف جدی گرفته شود و جامعه نیز با خود بیندیشد که این افرادی که روزانه به جامعه معلولان افزوده می شوند، از ابتدا دارای این مشکل نبوده اند. این موضوع بسیاری اوقات حاصل حادثه یا بیماری ایست که می توانست گریبان ما را گرفته باشد.

### پیشنهادی برای اشتغال معلولان

**ترانه میلادی**، دبیر کل کانون معلولان شهر تهران پیشنهادی برای رفع مشکل اشتغال معلولان دارد و می گوید: بسیاری از کارها نیاز به تحرک، بینایی یا شنوایی ندارد یا در برخی شغل ها این محدودیت ها نوعی مزیت به شمار می رود و برای کارفرما هم سود بیشتری دارد که این گونه افراد را به کار گیرد. به عنوان مثال کسی که شنوایی کامل دارد ممکن است با کار در محیطی که سر و صدای بسیاری دارد، مشکل شنوایی پیدا کند، در حالی که فردی که ناشنواست می تواند بدون هیچ مساله ای در آنجا کار کند. شغل های دیگری مثل پاسنگویی به تلفن و اپراتوری یا یکسری کارهای روتین، ساده و یک شکل برخی شرکت ها سازمان ها نیز هستند که با یکسری نرم افزارها و امکانات خاص می توان کاملاً آنها را برای اشتغال نابینایان را بهینه کرد. اینها کارهای یک شکل و ساده ای است که شاید انجام روزانه آنها برای فرد سالم کسل کننده باشد. متأسفانه باورهای جامعه هنوز به آن سطح از درک نرسیده است تا به این فکر کنند که چه مسایلی برای جامعه و همچنین شهروندان دارای معلولیت خوب است.

همچنین [فرزانه پارسایی](#) با انتقاد از وضعیت اشتغال، می گوید: معمولاً بچه های معلولی را می بینم که با با مدرک لیسانس و فوق لیسانس به دنبال کار هستند، همانطور که افراد عادی هستند اما طبیعی است که مشکلات برای افراد معمول چند برابر می شود. در آموزش و پرورش هم که از پارسال قرار شد نیروهای معلول را نپذیرند و خود این مساله به بن بست برای بچه ها به ویژه افراد نابینا تبدیل شد.

بر اساس آمار انجمن دفاع از حقوق معلولان، ماهانه ۳۳۰۰ نفر در کشور معلول می شوند. این رقم به معنای معلول شدن ۱۱۰ نفر فرد سالم در یک روز است. این شتاب افزایش معلولیت در کشور باید مورد توجه گروه های مرتبط و نیاز سنجی این قشر از جامعه قرار بگیرد.

در کنار بسیاری از معلولیت ها که در اثر بیماری یا تصادف در دوره هایی از زندگی افراد رخ می دهد، بسیاری از معلولیت ها نیز مادرزاد و از زمان تولد با فرد همراه هستند. [کیانا](#) یکی از این افراد است که با این مساله متولد شده است. محبوبه مجیدی خواه، مادر کیانا که مثل همه مادران آرزوهای فراوانی برای آینده کیانا دارد، با اشاره شرایط ویژه کیانا که علاوه بر بینایی، در گفتار هم مشکل دارد، از استعداد و توانمندی او در زمینه موسیقی و کنسرت هایی که در آن اجرا داشته است، می گوید.

نگاهی به زندگی افراد موفق دارای معلولیت، امید به موفقیت کیانا و دوستان دیگرش در زمینه هایی که مستعد هستند را افزون می کند. [کتاب «معلولین موفق معاصر»](#) به معرفی معلولان موفقی که در دوران معاصر در حوزه های مختلفی مانند اختراع، رایانه، نویسندگی، نقاشی، موسیقی، ورزش و ... در ایران و تعدادی نیز در جهان می پردازد. در بخشی از مقدمه این کتاب با تاکید بر نقش مهم جامعه در زندگی و رسیدن فرد معلول به اهدافش، اهمیت نگرش خود فرد را نیز یادآوری می کند و می نویسد: خیلی ها معلولیت را مساوی با محدودیت می دانند و معتقدند که یک انسان معلول به هیچ عنوان قادر نیست مانند یک فرد عادی و سالم به موفقیت برسد اما هستند افرادی که معتقدند معلولیت آنها بی تردید حکمتی

داشته و شاید مهم‌ترین دلیل موفقیت‌شان همین معلولیت باشد؛ معلولیتی که از آغاز تولد با بسیاری از آنها بوده اما نتوانسته جلوی فتح قله‌های موفقیت‌شان را بگیرد و چه بسا اراده آنها را پولادین‌تر ساخته است.

اما محبوبه مجیدی خواه که از وضعیت جاری در مدارس ویژه بچه‌هایی مثل دخترش، کیانا و به طور کلی سیستم آموزشی آنها دل‌پری دارد، به شفقتنا می‌گوید: بچه‌های ما در زمینه تحصیل هم دچار مشکل هستند، مثلاً در حال حاضر وسط سال تحصیلی هستیم اما هنوز بچه‌ها کتاب ندارند و فقط از طریق شنیداری درس‌ها را گوش می‌دهند. سی‌دی و کاست‌هایی که در اختیار آنها قرار می‌گیرد هم کیفیت خوبی ندارد. کیانا و بچه‌هایی مثل او باید تحرک جهت‌یابی را یاد بگیرند تا بتوانند بیرون روند اما این موضوع در مدرسه به شکلی که بچه‌ها به خوبی یاد بگیرند وجود ندارد.

او در نقد به حمایت مسوولان و نگاه جامعه نسبت به معلولان می‌گوید: مثلاً کیانا با وجود اینکه خوب کنسرت می‌دهد اما به دلیل مشکلی که در گفتار دارد، کم‌کم در حال کنار گذاشته شدن از تحصیل است. در صورتی که چیزی را که می‌خواند و یاد می‌گیرد، می‌تواند ارائه دهد اما مسوولان مدرسه چون کیانا در رقابت می‌ماند و... نظر دیگری برای ادامه تحصیل او در این مدرسه دارند. به این شکل که کیانا تا ششم می‌تواند در مدرسه نابینایان باشد اما بعد از آن این بچه، رهاست. کجا باید برود؟ من نمی‌توانم کیانا را تلفیقی ببرم چون توانمند نیست که بتواند از خود دفاع کند. در این زمینه‌ها هیچ حمایت و توجهی صورت نمی‌گیرد. همه تلاش من این است که کیانا را در مقطع عادی مدرسه خودش ثبت‌نام کنم تا با همکلاسی‌های خودش درس بخواند.

به تفریح و ورزش کودکان معلول توجهی نمی‌شود

مادر کیانا از نبود تفریح و برنامه‌های ورزشی در مدارس ویژه کودکان نابینا شکایت می‌کند و می‌گوید: بعضی از آنها که قوی‌تر و در دبیرستان هستند، یک مربی دارند

و مسابقات گل بال می دهند اما به جز آن هیچ امکانات ورزشی برای سایرین نیست؛ تلاش ما برای این کار و نامه نگاری با بهزیستی و ... نیز بی نتیجه عملی باقی مانده است.

«[کامران عاروان](#)» در مورد زندگینامه «پروفسور هاوکینگ» به عنوان فرد معلولی که یکی از نوابغ معلول دنیای معاصر است و در عرصه دانش شهرتی جهانگیر دارد، می نویسد: او برای استادان و دانشمندان، انسانی حاشیه ای و ترحم برانگیز نبود بلکه وجودش مایه افتخار و مباحثات بود. او نمونه کسانی است که بر دشواری ها و ناتوانی های بی شمار خویش چیره شده اند و پایانی برای اهداف بلند خود نمی بینند.

به گزارش شفقتا، هاوکینگ از بیماری «ای ال اس» رنج می برد که این روزها نیز با سطل آب یخ، بیشتر شناخته می شود. با این وجود او در زمان بیماری اش پژوهش های خود را رها نکرد. یکی از تلاش های او کتاب «تاریخچه زمان؛ از انفجار بزرگ تا سیاه چاله ها» است که در دنیای علم امروز حرفی برای گفتن دارد.

افراد موفق بسیاری در جهان و همینطور ایران وجود داشته اند و دارند که علاوه بر موفق بودن فردی دارای معلولیت نیز بوده اند اما این نگاه در رسانه ها، فیلم ها و ... چقدر مورد توجه قرار گرفته و به جامعه آموزش داده شده است؟

رسانه ها و سینماگران برای معلولان چه کرده اند؟

ترانه که دبیر کلی کانون معلولان شهر تهران را هم به عهده دارد، در این زمینه به شفقتا می گوید: واقعیت این است که رسانه ها-چه مکتوب، چه شنیداری و تصویری- می توانند کمک بسیاری به فرهنگ سازی در مورد نگاه جامعه به افراد دارای معلولیت داشته باشند. استفاده از ظرفیت افراد دارای معلولیت، نمایش توانمندی های آنها و تاکید روی این موضوع هم عضوی از جامعه و شهروند درجه یک هستند که باید به نیازهای آنها رسیدگی و به آنها پاسخ داده شود از کارهایی است که رسانه ها می توانند انجام دهند. پی گیری عدم تحقق

حقوق شهروندی این افراد نیز یکی از مسوولیت های رسانه در راستای فرهنگ سازی به شمار می رود. فرهنگ سازی چیزی نیست که یک شبه اتفاق بیفتد اما باید گفت که در جامعه ایران، شیوه ارتباط مطلوب با دیگرانی که با ما متفاوت هستند، از سنین کودکی آموزش داده نمی شود.

او تاکید می کند که نه در مهد کودک، نه در پیش دبستانی، نه در دبستان، نه در کتاب های درسی، هیچ کجا اشاره نشده است که اگر فردی از وسیله کمکی و توانبخشی استفاده می کند، عینک دارد یا ... قرار نیست طرد یا از جمع دوستانمان کنار گذاشته شود بلکه باید شیوه تعامل مطلوب را به آنها آموزش داد.

ترانه از نبود این آموزش ها انتقاد می کند و می گوید: باید به بچه ها آموزش داد که لزوماً آنکه نابینا، ناشنوا یا روی صندلی چرخدار است، فرد نیازمندی نیست. اینها کلیشه هایی است که جامعه ساخته و رسانه ها هم نتوانستند الگوی مناسب تری را جایگزین کلیشه های غلط کنند. اصلاً دغدغه آنها این نبوده است و فکر نمی کردند مشکل، مشکل آنها باشد اما واقعیت این است که نیم بیشتر افراد دارای معلولیت در سن نوجوانی، کودکی و جوانی دچار معلولیت می شوند؛ بر اثر حادثه، بلایای طبیعی، تصادفات و بسیاری از مریضی های عصر جدید مثل «ام اس».

یوسف نیز با صراحت از عملکرد رسانه ها اعلام نارضایتی می کند و می گوید: اطلاع رسانی در مورد معلولان اغلب به وسیله خود بچه ها و در شبکه های اجتماعی صورت می گیرد که این ضعف رسانه های ما را نشان می دهد.

اغلب فیلم های ایرانی و شاید بهتر است بگوییم جهان سومی که در آنها اشاره ای به معلولیت شده است، شخصیتی ترحم برانگیز و نیازمند را نشان داده اند یا کسانی که در اثر ظلم و اشتباهی به این مشکل دچار می شوند. نمایش این چهره از معلولیت نیز فرهنگ سازی می کند اما فرهنگی نامطلوب و ضد انسانی.



## معلولیت پایان راه نیست

دیبر کل کانون معلولان شهر تهران که معتقد است فرهنگ سازی باید به صورت غیر مستقیم هم صورت بگیرد، به کارتون ها و فیلم هایی خارجی اشاره می کند که در این زمینه ها عملکرد خوبی داشته اند و توضیح می دهد: در این کارتون ها مثلا اگر قرار است کلاسی باشد، یکی از بچه های آن کلاس نابینا، روی صندلی چرخدار یا ... است. اگر قرار است در آن کلاسی ای بی سی دی آموزش دهند، یکی از کسانی که این حرف ها را ادا می کند، دارای معلولیت است. به این شکل چشم بچه ها به دیدن این افراد و وسایل کمک حرکتی عادت می کند و از دیدن آن تعجب نمی کنند. به این شکل افراد به طور غیر مستقیم آموزش می بینند، هر جا که من هستم امکان دارد یک فرد دارای معلولیت هم باشد.

## الگوی معلولان موفق امروز را جایگزین دهقان فداکار دیروز کنیم

او با تاکید بر اینکه توانمندی های جسمی بخشی از توانمندی های ماست، می گوید: فرهنگ سازی غیر مستقیم به مدیریت بحران برای فردی که تازه به این مساله دچار می شود، خواهد کرد چراکه کسی که دچار معلولیت می شود، در بدو امر دچار بحران روحی خیلی شدیدی می شود و اگر از قبل پیش زمینه ذهنی نداشته باشد که معلولیت پایان راه نیست دقیقا به نقطه ای می رسد که معلولیت پایان راه است. ما هیچ وقت به او نگفته ایم که استفان هاوکینگ را داریم که با وجود معلولیت شدید، بی حرکتی از گردن به پایین او، ناتوانی در صحبت و ... نظریه سیاهچاله های فضایی را کشف کرده است و از بزرگترین فیزیکدان های عصر حاضر است. الگوهایی که بچه های ما دارند، چه کسانی هستند؟ تا کی می خواهیم برای آنها از دهقان فداکار بگوییم؟ باید الگوهای زنده تر به آنها داد. ما معلولان و جانبازانی داریم که با وجود معلولیت شدید، توانسته اند درجات عالی علمی، هنری و فرهنگی را کسب کنند.

لوايح و قوانين حمايتي از معلولان چگونه اجرا مي شوند؟

وقتي پاي درد دل دوستاني از جامعه داراي معلوليت مي نشيني از تابلوهاي پارک ویژه معلولان مي گویند که ديگراني جز آنها از آن مکان استفاده مي کنند؛ از بليت های رایگان سینما مي گویند که اجرائي شدنش با مديران پردیس های سینمائي هماهنگ نشده است، از سینماهایی مي گویند که این حقوق را اعمال مي کنند اما مناسب سازی نشده اند؛ از تخفیف شهریه هایی مي گویند که قرار بوده برای معلولان پرداخت شود اما با رفت و آمدهای بسیار و بروکراسی که برای آن لازم است، فرد سالم هم عطای آن را به لقایش مي بخشد، چه رسد به آنهایی که برای رفت و آمد معمولی خود در شهر نیز با مشکل مواجه هستند. در حقيقت به گفته آنها قوانینی که برای حمايت از جامعه معلولان تصویب مي شود نیز، تا حدی بد اجرا مي شود که فرد، نگرفتن آن اعتبار را به گرفتنش ترجیح مي دهد. گله بسیاری از آنها این است که در اعمال این تخفیف ها و ... به شکلی شان و شخصیت فرد داراي معلولیت نیز خدشه دار مي شود، در حالی که اگر امکانات عمومي به گونه ای باشد که همه اعم از شهروند معمولی، سالمند و شهروند با نیازهای ویژه بتوانند به آن دسترسی داشته باشند، دیگر نیازی به این دست و دل بازی های اجرا نشدنی نخواهد بود.

### پیشنهادی به آقای شهردار: با ویلچر گشتی در سطح شهر بزنید!

فرزانه پارسایی در مورد نگاه مسوولان نسبت به جامعه معلولان و توجه آنها به نیازهای موجود مي گوید: اگر به نیازها توجه داشتند که امروز این قدر مشکل وجود نداشت. اگر شهردار خودش یک روز روی ویلچر مي نشست و در سطح شهر مي گشت... بخش بسیاری از همان معابر ولیعصر که گفته مي شود مناسب سازی شده، خراب است و مجبور به کمک گرفتن از دیگران مي شویم.

همچنین ترانه میلادی به موضوع جالبی اشاره می کند و می گوید: در جامعه ما یک فرد دارای معلولیت به اندازه شهروند معمولی مالیات می پردازد اما از یک هزارم امکانات جامعه نیز نمی تواند استفاده کند، این بی عدالتی محض است. وقتی مالیاتی پرداخت نشود، همه پیگیر می شوند که چرا؟ اما وقتی که پرداخت شد، کسی جویا نمی شود که مصرف آن افراد می شود یا خیر!

یوسف هم از مسوولانی می گوید که به راحتی خود را به ندانستن می زنند یا می دانند و از کنار موضوعاتی با این اهمیت به سادگی رد می شوند. او معتقد است که در حقیقت همه مسوولیت ها به گردن خود معلول می افتد. او با برشمردن حوزه های مختلفی که در عدم حل این مشکلات دخالت دارند، بیان می کند: مشکل یکی دو تا نیست. مثلاً می توانم بگویم بهزیستی وظیفه خود را انجام نمی دهد اما اگر فقط بهزیستی انجام نمی داد و دیگران مسوولیت های خود را به خوبی انجام داده بودند، باز هم اشکال تا این حد نبود. مساله اینجاست که حتی من معلول هم وظیفه خودم را انجام نمی دهم. بخشی به ناآگاهی بازمی گردد و اینکه نمی دانیم وظیفه مان چیست و بخشی دیگر به اینکه برایمان اهمیت ندارد. من مسوول، خودم برای خودم مهم هستم، کسی که مشکل جسمی دارد برایم مهم نیست.

شورای شهر تهران چه پاسخی برای عدم مناسب سازی های شهر دارد؟

علی صابری، عضو چهارمین دوره شورای اسلامی شهر تهران و از معلولان موفق است که با رای مردم به شورای شهر و دایره تصمیم گیران شهری راه یافته است. این عضو شورای شهر با تاکید بر اینکه بحث زیرساخت ها، پروسه است و پروژه نیست، به شفقنا می گوید: تغییر در شهری که ساخته شده است، به این آسانی ممکن نیست. ما از جهت مصوبات و ... یعنی از نظر تئوری تا اندازه ای خوب هستیم بنابراین باید به سمت اقدامات عملیاتی و آشنا کردن دوستان حرکت کرد. بزرگترین کاری که می تواند در این

زمینه اتفاق بیفتد، پیوست شدن مناسب سازی به پروژه های شهرداری است یعنی همانطور که هر پروژه ای پیوست فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی می خواهد، مناسب سازی هم پیوست پروژه ها و الزامی شود.

وضعیت فعلی زیرساخت ها کاملا نامطلوب است

صابری که وضعیت فعلی زیرساخت شهری را کاملا نامطلوب می داند، به ارائه اقدامات ممکن و کارهایی که شورای شهر برای حل این مشکل پی گیری می کند، می پردازد و می گوید: در شرایط فعلی ما در حال احیای ستاد مناسب سازی شهرداری هستیم. با بخش های مختلف از جمله معاونت حمل و نقل و ترافیک، مترو و اتوبوسرانی و... تک تک جلساتی برگزار می کنیم. در فروشگاه های شهروند، بحث دسترس پذیری را مورد توجه قرار داده ایم. ما اصلا بحث را فقط مناسب سازی فیزیکی نمی بینیم، در این زمینه بخشنامه صادر شده است. این بحث ها در حال پی گیری است.

مناسب سازی باید پیوست پروژه های شهرداری شود

این عضو شورای شهر تهران معتقد است: باید با حمایت بقیه اعضای شورای شهر و دوستان شهرداری، مناسب سازی پیوست پروژه های شهرداری شود و این موضوع در هر پروژه ای که می خواهد تعریف شود، دیده شود. این مسیر یک پروسه است و باید قدم به قدم رفت و در آینده نزدیک نتیجه کامل نخواهد داشت. باید واقع بین بود؛ خوش بینی یا بدبینی افراطی هر دو افیون توده هاست. این واقع بینی ایجاب می کند که ما قدم به قدم جلو برویم.

اسلام چه رویکردی به بیماران، مجروحان و معلولان دارد؟

زندگی ما در کشوری که مذهبی بودن یکی از ویژگی های غیر قابل انکار آن است، موجب می شود در موضوعات اجتماعی از نگاه اسلام به عنوان دین غالب جامعه ایران نیز غافل نشویم.

مقاله «رویکرد اسلام به ناتوانی به عنوان مبنای ارائه خدمات به افراد ناتوان»، ارائه شده در همایش ملی مناسب سازی محیط شهری در این باره می نویسد: آیه های ۱ تا ۱۱ سوره عبس بر این معنا دلالت دارند که با افراد ناتوان می باید مانند افراد سالم، با احترام کامل رفتار شود.

در این مقاله تاکید می شود که در قرآن، شرایط فیزیکی به عنوان یک بلا یا یک موهبت نگریده نمی شود و صرفاً بخش ساده ای از زندگی فرد است. به نوشته این مقاله، قرآن هرگونه داغ عجز یا مانعی را از مقابل مشارکت کامل افراد با محدودیت فیزیکی بر می دارد و بنابر این اصل قرآنی که «خداوند کسی را تکلیف نکند مگر به قدر توانایی او» (۲:۲۸۶)، آنان را از انجام دستوراتی که در حد توان آنها نمی باشد رهایی می دهد ولی با این وجود امید برای رسیدن به بالاترین سطح توانایی، هم در بعد معنوی و هم در مادی، را برای همه افراد یکسان می داند.

نویسنده این مقاله ادامه می دهد: قرآن بر مفهوم محرومیتی که توسط جامعه بر افرادی که ویژگی های اجتماعی، اقتصادی یا فیزیکی هنجار جامعه را ندارند، تحمیل می شود اشاره می کند و مسوولیت اصلاح و جبران این نابرابری را بر دوش جامعه می گذارد و مسلمانان را به شناخت وضعیت نامناسب محرومین و تلاش در راستای بهبود شرایط و وضعیت آنها تشویق می کند. همچنین اسلام از افراد محروم انتظار دارد تا در جهت ایفای مسوولیت و بهبود وضعیت خویش تلاش نمایند و به صورت آشکار، افراد محروم جامعه را جهت مشارکت کامل در جامعه ذی حق می داند.

علاوه بر این موارد، روایات بسیاری نیز در حقوق بیماران، مجروحان و معلولان ذهنی یا روانی و عموماً در حقوق بلادیدگان به عنوان بیمار، مجروح، معلول و بلادیدده وارد است که می توان چکیده ای از آن را در نوشتاری تحت عنوان «حقوق بیماران، مجروحان و معلولان از نظر اسلام» در وب سایت جامعه معلولین ایران یافت.

تک تک ما مسوول ارتقای باورهای جامعه هستیم!

گفتن و نوشتن از این موضوعات صرفاً برای انتقاد از شرایط موجود نیست بلکه یادآوری این نکته است که باید با دیدن این واقعیت‌ها، حقوق پایمال شده و در کنار آن الگوهای موفق جهانی برای رفع این چالش‌ها را دید و از آنها بهره‌برد.

NGOهای معلولان به تنهایی اثرگذاری محدودی دارند اما برای تغییر شرایط موجود، تک تک ما باید باورهای خود را تغییر دهیم و بار فرهنگ‌سازی در جامعه و ساخت جامعه‌ای که توجه بیشتری به همدیگر دارند و برای حقوق شهروندی هر انسانی اهمیت قایل هستند، را همه ما به دوش کشیم.

گزارش از شیما مفیدی راد - شفقا

<http://www.shafaqna.com/persian/elected/item/88824> - تهران - شهر - معلولان - نیست

کارت شناسایی هوشمند دانشجویی

Electronical Post-Graduate Student Card



نام خانوادگی و نام : نظری گندشمین - محمد

موفقیت

شماره دانشجویی:

موفقیت

نام پدر:

کد ملی:

مقطع: کارشناسی ارشد

رشته تحصیلی: روانشناسی عمومی

موفقیت

تاریخ اعتبار:

مدیر جراسمت

دانشگاه محقق اردبیلی



کد ده رقمی

موفقیت



نام و نام خانوادگی: محمد نظری گندشمین

نوع معلولیت: جسمی حرکتی

موفقیت

شدت معلولیت: خیلی شدید ۹۶٪

استان: اردبیل

مدیر کل بهزیستی

آنچه یک معلول ( محمد نظری گندشمین ) می اندیشد

محمد نظری گندشمین

کارشناس ارشد روانشناسی

کارشناس امور بهزیستی

09143542328

M.N.G

۹۶٪

معلولیت

با ۴٪  
به دنبال موفقیت

[Nazaribest@yahoo.com](mailto:Nazaribest@yahoo.com)

[nazaribest.samenblog.com](http://nazaribest.samenblog.com)

<http://ketabesabz.com/authors/1505/محمد-نظری-گندشمین>

کتابسبز 

www.PDF.COM